

کسانی که جنگ را نتیجه غنی سازی می دانند تاریخ را درست نخوانده اند



صادق

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و پنجم | شماره ۱۲۵۱ | دوشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۵ | ۱۸ ربیع الاول ۱۴۴۸ | ۳۱ آگوست ۲۰۲۶ | ۸ صفحه | نسخه الکترونیکی

آرش فهیم
مسئله روایت قدرت



۷ فرهنگ

نوید کمالی
کارآمدسازی حکمرانی!



۶ راهبرد

سید مهدی حسینی
ناکارآمدی اهرم حقوق بشر آمریکایی



۳ تاریخ

خط مقاومت و روشنگری

۳ تاریخ

۲ سرمقاله

اتحاد امت اسلامی و انسجام ملی؛ دو بال پرواز در برابر طوفان شناعختی دشمن

حکم وحدت

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت هفته دولت ضمن قدردانی از اقدامات شایسته دولت به‌ویژه رئیس جمهور صادق و دلسوز که به‌رغم همه محدودیت‌ها و دسیسه‌های گوناگون دشمن آمریکایی-صهیونی و تشدید تحریم‌ها و محاصره‌ها انجام شده است، بر لزوم تبیین و روایت «قدرت و قوت ایران» و برجسته‌سازی آن و پرهیز از هر گونه سخن «ناامید کننده وتضعیف کننده انگیزه‌های ملی وعمومی» و «دوگانه سازی‌های موهوم» تاکید کردند: قاطعانه اعلام می‌کنم؛ ارتکاب هر آنچه به ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است. متن پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

هفته‌ی اوّل شهریور هر سال، مناسبتی است برای پرداختن به خدمات دولت جمهوری اسلامی ایران. امسال دولت جمهوری اسلامی ایران مفتخر است که ایّام هفته‌ی دولت، مقارن با ایّام ولادت با سعادت و پر برکت دو مولود ربیع‌الاوّل صلوات‌الله و سلامه‌علیهما و آلهما است.

بنده در این فرصت به همه‌ی کارکنان و مدیران فَعّال دستگاه‌های دولتی و به‌خصوص رئیس‌جمهور صادق و دلسوز دولت چهاردهم تبریک و خداقوّت میگویم. خصوصاً با توجّهِ به اقدامات شایسته‌ای که به‌رغم محدودیتها و دسیسه‌های گوناگون دشمن امریکایی – صهیونی و تشدید تحریمها و محاصره‌ها، در طول جنگ تحمیلی سوّم و پس از آن در مسیر تأمین کالاها و انواع خدمات مورد نیاز مردم، ترمیم نقاط مهمّ آسیب‌دیده و مدیریت انرژی

صورت داده‌اند. همچنین جا دارد یاد رؤسای جمهور شهید رجایی و رئیسی و نخست‌وزیر شهید باهنر و کارکنان و مدیران و وزرای شهید در ادوار مختلف دولت، و در رأس همه رهبر عظیم‌الشان شهید که مدّت قریب به دو دوره متصدّی ریاست جمهوری بودند را گرامی داشته برای همه ایشان علوّ در جات و عنایات الهی را مسألّت نمایم.

فرصت خدمت به مردم و اهداف جمهوری اسلامی، نعمت ارزشمندی است که باید آن را پاس داشت. در دوران کنونی و شرایط خطیر و پیچیده‌ای که وصول به «ایران هر چه قوی‌تر» با آن روبرو است، یکی از امور ضروری برای دستیابی به این هدف، علاوه بر تلاش شبانه‌روزی و ابتکار مستمر، تبیین و روایت قدرت و قوّت ایران و ملّت عزیز آن می‌باشد. ضعف و نقص و کمبود، نیازمند روایت و برجسته‌سازی نیست؛ بلکه نیازمند برنامه‌ریزی و اقدام برای رفع و حلّ مشکل است. گاه بیان صادقانه ضعف‌های خود در وقتی که دشمن به روحیّه نیاز دارد، کمک بزرگی به او است و ای بسا دل‌های دوستان و همراهان را دچار نگرانی نموده و ایشان را سرگردان و متحیر سازد. بلی، هرگاه شنونده‌ی این بیانهای صادقانه تنها مردم و دلسوزان ما باشند، اشکال تقلیل می‌یابد. امّا قوّت و قدرت و نقاط مثبت به‌موجب آموزه‌ی قرآنی «و اَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» نیازمند روایت و برجسته‌سازی است.

مردم عزیز ایران که در شش ماه گذشته عیار حقیقی خود را در جلوه‌های مختلف جهاد با دشمن، حضور در میدان، انسجام و همدلی و همراهی خود آشکار نموده‌اند، شایسته و مستحقّ آن هستند که خدمتگزاری قوا و دستگاه‌های مسئول در جمهوری اسلامی در

مسیر رسیدن به سطح مطلوب این نظام مقدّس و شأن‌والای ملّت مبعوث شده را حس نمایند. مسلّمأ آنچه ذیلأ بیان می‌گردد در کانون برنامه‌های دولت خدمتگزار یا به نوعی در فهرست اهداف آن قرار دارد و ذکر آن در این مقام صرفاً از باب یادآوری است. از جمله لزوم توجّهِ جدّی به زنجیره‌ی چالشهای اقتصادی – معیشتی از قبیل تورّم، بیکاری، مدیریت قیمت‌ها و بازار کالا و خدمات و عنایت خاص به بعضی دیگر از عناصر حوزه‌ی اقتصاد از قبیل رشد، افزایش سرمایه‌گذاری و هدایت آن به سمت مفید و مورد نیاز، رونق تولید، اسقاط تدریجی دلار از طراز نقش آفرینی مهم و نهایتاً محور قرار دادن مجموعه سیاستهای اقتصاد مقاومتی است. کلید اصلی در این زمینه برای حلّ همه‌ی این امور در عنوان تکیه‌ی هر چه بیشتر به تولید داخلی دیده میشود. البته برقراری حدّ کافی از وجود کالاهای عمومی و تخصّصی خود یک ضرورت قطعی است که با توجّهِ به آن، در مواردی که تولید داخل به حدّ کافی وجود نداشته باشد باید از واردات به‌طور صحیح و حکیمانه بهره برد. طبعاً تشویق تولید و در عین حال مدیریت واردات و قیمت‌ها میتواند منتهی به وضعیتی گردد که لگه‌های تیره‌ای که در صفحه‌ی اقتصاد کشور خودنمایی میکنند به‌تدریج کوچک و کوچک‌تر نشود تا آنگاه که به‌کلی محو گردد. در این صحنه، گرچه رفتار دشمن در جنگ و پس از آن بی‌تأثیر نیست ولی مدیریت هر چه هوشمندتر اجزاء این عرصه و یاری جستن در بعضی از موارد از آحاد مردم و در بعضی دیگر از متخصصین و فن‌آوران و به فعلیّت رساندن ظرفیت‌های نو، کشور را به سمت بسط امور و آبادانی رهنمون میشود. دشمن قسم‌خورده‌ی این ملّت، سعی میکند

رهبر معظم انقلاب در پیامی به مناسبت هفته دولت

ارتکاب هر آنچه به‌ضرر انسجام اجتماعی باشد ممنوع است

وارد ساخته، از این پس هم میتواند همان تأثیر را به‌جا بگذارد. لذا بنده قاطعانه اعلام میکنم که ارتکاب هر آنچه به‌ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است.

و از جمله مسائل مهمّ دیگر، توجّهِ فراراهبردی به مسئله‌ی فرهنگ، تعلیم و تربیت است. تعبیر فراراهبردی به‌معنی آن است که تنظیم راهبردهای دیگر باید با ملاحظه این مسئله باشد. در این صدر توجّهِ به اقشاری که منبع اشاعه‌ی فرهنگ مثبت و سازنده می‌باشند از قبیل معلّمین در آموزش و پرورش و دانشگاه و حوزه و همچنین پرستاران و اطّبائی که خود را وقف انجام وظیفه در نهادهای غیرخصوصی کرده‌اند، اهمیّت ویژّه‌ای دارد؛ همچنان که توجّهِ به نقش بانوان خانه‌دار که ظریف‌ترین اجزاء نقش و نگار فرهنگ زیبا و مطلوب آینده را در حریم منازل به تک تک فرزندان این مرز و بوم می‌آموزند نیز واجد چنین اهمیتی است. امید است به‌کار بستن این مطالب و سایر مطالب مفیدی که بحمدالله در فهرست برنامه‌های دولت قابل یافت است، کشور عزیزمان را به‌سوی «ایران هر چه قوی‌تر» سوق داده و فعّالان در این مسیر را لایق توجّّهای خاصّه‌ی سرورمان عجلّ الله تعالی فرجه‌الشّریف و دعای خیر و برکت و هدایشان بگرداند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای

۶/شهریور/۱۴۰۵

◄ **سرمقاله** ►

اتحاد امت اسلامی و انسجام ملی؛ دو بال پرواز در برابر طوفان شناختی دشمن

حکم وحدت

صهیونی»، نه تنها با جمهوری اسلامی و جبهه مقاومت دشمنی دارند، بلکه با تمامی ملت‌های مسلمان و حتی حکام کشورهایی که بسیاری از آنان را همکار خود می‌دانند، سر خصومت دارند.

آمریکای جنایتکار و رژیم صهیونیستی به خوبی دریافته‌اند که تنها با ایجاد شکاف میان کشورهای اسلامی می‌توانند به اهداف شوم خود، یعنی غارت منابع، اشغال سرزمین‌ها و ایجاد ناامنی پایدار دست یابند. طراحی‌های آنان برای تغییر معادلات منطقه، از جمله طرح‌های موسوم به صلح دروغین و عادی‌سازی روابط با رژیم غاصب صهیونیستی، همه در راستای محوریت دادن به دشمن مشترک مسلمانان و منحرف کردن نگاه حکام منطقه از فلسطین اشغالی به سمت اختلافات قومی و مذهبی است. در چنین وضعیتی، «توصیه مؤکد و مکرر» رهبری به حکام کشورهای اسلامی، به ویژه حاشیه‌نشین‌های خلیج فارس، یک هشدار حیاتی و هوشمندانه است: «دشمن واقعی خود را بشناسید و نقشه‌هایش را دریابید.» اگر امروز شاهد نسل‌کشی در غزه و لبنان هستیم، نتیجه سال‌ها تفرقه‌افکنی و دوری ملت‌های مسلمان از یکدیگر است. تجربه تاریخی نشان داده است، هرگاه جهان اسلام متحد بوده، ضربات کوبنده‌ای بر پیکر استکبار وارد شده و

هرگاه دچار تفرقه شده، دشمن از آن نقطه نفوذ کرده و ضربات جبران‌ناپذیری را بر پیکر امت اسلامی وارد کرده است. در سوی دیگر میدان، دشمن با تغییر تاکتیک از جنگ نظامی به فشارهای اقتصادی حداکثری، در قالب یک «جنگ ترکیبی شناختی»، تمام تلاش خود را برای ایجاد در هم شکستن مقاومت، ضربه به تاب آوری و ایجاد اختلاف و چنددستگی در داخل ایران اسلامی به کار گرفته است. در این جنگ پیچیده، هدف اصلی دشمن، انتقال میدان نبرد از واقعیت‌های عینی به ادراکات ذهنی مردم است. به عبارت دقیق‌تر، دشمن تجربه کرده و به خوبی می‌داند که در میدان عمل نمی‌تواند بر ملت ایران غلبه کند، پس تلاش می‌کند با القای شبهات، ایجاد ناامیدی و تضعیف انگیزه ملت ایران، فضای ذهنی جامعه را به صحنه نبرد تبدیل کند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای این جنگ، «دوگانه‌سازی موهوم» است. دشمن با طراحی و دامن زدن به دوگانه‌های کاذبی از قبیل «جنگ یا مذاکره»، «وفاق یا تدروی»، «سازش یا جنگ‌طلبی» و ... می‌کوشد جامعه را درگیر تنش‌های بی‌حاصل و انحرافی کند. این دوگانه‌سازی‌ها در گذشته خسارت‌های بی‌واسطه یا باواسطه‌ای را به مردم عزیز وارد کرده است و امروز نیز با جدیت بیشتری از سوی شبکه‌های معاند و رسانه‌های جبهه

استکبار دنبال می‌شود. هدف نهایی این است که با ایجاد شکاف‌های ساختگی در فضای مجازی و حقیقی، صفوف به هم پیوسته ملت را از هم گسسته و مقاومت اجتماعی را فرسایش دهند.

رهبر معظم انقلاب(مدظله‌العالی) با هوشمندی تمام، این ترفند دشمن را خنثی کرده و «انسجام اجتماعی» را خط قرمز و فصل‌الخطاب نظام ترسیم می‌کنند. ایشان قاطعانه اعلام می‌دارند: «ارتکاب هر آنچه به ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است.» این جمله، نه توصیه اخلاقی ساده، بلکه یک فرمان راهبردی و چارچوب الزام‌آور برای همه دستگاه‌ها، مسئولان، اصحاب رسانه و آحاد مردم، به‌ویژه ملت به‌باخاسته و مبعوث شده است. هر اقدامی که در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی صورت می‌گیرد، باید با ملاحظه‌دقیق «پیوست‌انسجام اجتماعی» انجام شود. چه بسا اقداماتی که در ظاهر طرفدارانی در بین برخی اقشار داشته باشد، اما اگر این پیوست در آنها رعایت نشود یا در عمل مغفول واقع شود، به همان اقشار و دیگران ضررهای جبران‌ناپذیری وارد کند. در نهایت، باید توجه داشت که یک ایران قدرتمند و منسجم، سرمایه بزرگ و پشتوانه محکمی برای امت اسلام است و از سوی دیگر، اتحاد کشورهای اسلامی، پشتوانه‌ای

عظیم برای جمهوری اسلامی در مقابله با تهدیدهای فراملی به شمار می‌آید. دشمنان به خوبی از این پیوند وثیق آگاه هستند و به همین دلیل، هم‌زمان بر دو جبهه داخلی و خارجی برای ایجاد تفرقه تلاش می‌کنند.

امروز چشم‌انداز پربوژی نهایی حق بر باطل، بیش از هر زمان دیگری روشن شده است، اما تحقق این وعده الهی، منوط به هوشیاری و بصیرتی است که بتواند توطئه‌های پیچیده دشمن را در جنگ همه‌جانبه شناختی خنثی کند. ملت بزرگ ایران و همه مسلمانان آزاده جهان باید بدانند که هر سخن ناامیدکننده، هر دوقطبی‌سازی کاذب و هر تلاشی برای مخدوش کردن چهره نظام یا ایجاد اختلاف بین کشورهای اسلامی، دقیقاً همان گلوله‌ای است که از لوله تفنگ دشمن خارج می‌شود. وظیفه امروز ما، پاسداشت این میراث گرانبهای وحدت، پرهیز از هرگونه حاشیه‌سازی و تمرکز بر نقاط اشتراک برای ساختن آینده‌ای درخشان در سایه ولایت و رهبری حکیم و با تدبیر است. تنها در این صورت است که می‌توان از گردنه‌های سخت عبور کرد و نقشه‌های شوم استکبار جهانی و رژیم صهیونی را برای همیشه نقش بر آب کرد و مسیر قله را با سرعت بیشتری در پیش گرفت.ان‌شاءالله

خط مقاومت و روشنگری

برشی از زندگینامه و خاطرات رهبر شهید انقلاب اسلامی- ۱۸

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

در دهه ۱۳۴۰، در میان جریان‌های مختلف سیاسی که در حال مبارزه با رژیم پهلوی بودند و هز یک مشی و مرام خود را داشتند، جریانی وجود داشت که بر آمیختگی فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی تأکید می‌ورزید، هر چند در درون خود نیز با خوانش‌های مختلفی مواجه بود!

برخی با نگاه سنتی به تقابل با رژیم پهلوی پرداختند، برخی با نگاهی نواندیشانه به مبارزه با پهلوی مشغول بودند. برخی تنها بر مبارزه تأکید داشتند و نسبت به روشنگری کم توجه بود. برخی بر روشنگری تمرکز داشته و کمتر وارد میدان مبارزه سیاسی شدند. و در این میان معدود افرادی بودند که بطور توانمان هم بر روشنگری برآمده از نگاه نواندیشانه تأکید داشتند و هم مبارزه مستقیم با رژیم را لازم می‌دانستند!آیت‌الله خامنه‌ای این تفاوت‌ها را با ظرافت مورد توجه قرار می‌دهد و در مورد زیر گروه‌های دسته دوم می‌گوید:

«در اینجا باید یکی از مشخصه‌های مهم نهضت اسلامی ایران را بیان کنم. این مشخصه عبارت است از وجود دو خط در این نهضت، که تعامل میان این دو خط، تشکیل‌دهنده روند تکاملی حرکت به سمت اسلام در این کشور بوده: نخست، خط مقابله دینی با دستگاه حاکم، که برخاسته از عقیده دینی بود. دوم، خط بیدارگری فکری و ارائه برنامه‌ی اسلامی برای زندگی، با گفتمانی نو. یا به عبارت دیگر: خط نوسازی اندیشه دینی.

از یک‌سو، کسانی بودند که خط مقابله با دستگاه حاکم را در پیش گرفتند، ولی از یک اندیشه مترقی اسلامی برخوردار نبودند، بلکه دچار تحجر و جمود فکری بودند. آنها به انگیزه غیرت اسلامی‌شان به مقابله با قدرت حاکمه‌ای برخاسته بودند که حریم مقدسات مسلمانان را مورد اهانت قرار داده بود.

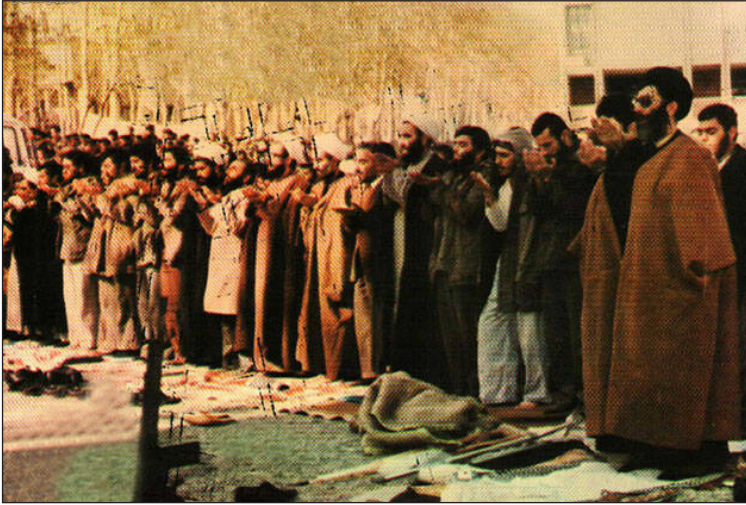
| دهلیز |

درس سکوتوره

مروری بر تجربه رهبران مبارزه با استکبار

هم حقیقتاً از ته دل ارادت داشت. من حرفهایی از او شنیدم که خیلی درست بود- البته ما از خیلی‌ها حرف شنفتیم؛ یعنی این‌جور تصور نشود که برای خوشامد ما یک حرفی گفته، ما هم باورمان آمده؛ نه، بنده در این ده ساله با افراد زیادی نشستیم، برخاستیم، حرف زدیم، شنفته‌ایم؛ بعضی‌ها حرف می‌زدند [ولی] از زبانشان تجاوز نمی‌کند، بعضی نه؛ این قابل تشخیص است. یک وقتی به من گفت فلائی! شماها فقط یک عیب دارید و آن اینکه همه‌اش مدام می‌گویید؛ خب، این گفتن ندارد؛ بکنید؛ چرا می‌گویید؟ می‌گویید که چه بشود؟ من آن سال اول ریاست‌جمهوری -سال ۱۳۶۰- که شاید این حرف را از او شنفتم، اصلاً حرفش را قبول نکردم. برای بعضی از دوستان نقل کردم، گفتم سکوتوره این‌جور می‌گوید؛ لکن ته دلم قبول نکردم. بسا خودم می‌گفتم که حالا دنیا، دنیایی نیست که او خیال کند ما اگر یک چیزی را گفتیم دنیا می‌فهمد و اگر نگفتیم نمی‌فهمد، که گفتن ما یک مشکلی به وجود بیاورد.

لکن بعد تجربه‌ها به بنده نشان داد که نخیر، او پخته بوده. بنده هم حالا عقیده‌ام همین است.»



داشتند، اما در سال‌های یادشده، هم خود را مصروف روشنگری فکری کردند. شهیدان بزرگوار، مطهری و بهشتی و باهنر از این جمله‌اند.

در اینجا باید برای ثبت در تاریخ بگویم که من از اندک افراد معدودی بودم که در همه لحظات نهضت، هر دو خط را باهم آمیختم و به این ویژگی معروف بودم. در تمام زندگی مبارزاتی خود، همواره هر دو خط «مقاومت» و «روشنگری» را باهم ادامه دادم و معتقدم این دورا کاملاً باهم درآمیختم. نهایت سعی من این بود که دین را چنان‌که خدای متعال خواسته، به‌عنوان روشی برای رفتار عملی، و برنامه‌ای برای زندگی، و تغییری مستمر به‌سوی کمال مطلوب بفهمم و ارائه کنم. در همه‌ی کارهای فکری و عملی‌ام، و در سخنرانی‌ها و درس‌هایم، روی این خط تمرکز داشتم. همین گرایش به درک آگاهانه و روشن از اسلام، مرا واداشت تا به کتاب‌های اسلام‌گرایان عرب روی بیاورم؛ که این مطلب را در جای خود بیان خواهم کرد.

در کنار این، به هر فعالیتی که می‌توانست مردم را علیه قدرت حاکم بسیج کند و به‌صورت هسته‌ای برای رهبری مردم به‌سوی برپایی حکومت اسلامی درآید، دست می‌زدم.

| حافظه |

سقوط امپراتوری اینکا

مروری بر حضور استعمارگران در قاره مریکا

در نوامبر ۱۵۳۳ میلادی، پایتخت بزرگ امپراتوری اینکا، شهر کوزکو، به دست گروهی اندک از اسپانیایی‌ها به رهبری فرانسیسکو پizarro افتاد. این سقوط، نقطه‌ی عطفی در تاریخ آمریکای جنوبی بود که طی چند سال، بزرگترین امپراتوری قاره را از هم پاشید. برای درک این رویداد، باید به بستر شکل‌گیری آن بازگشت. هنگامی که پizarro در سال ۱۵۳۲ با ۱۶۷ سرباز به سواحل پرو رسید، امپراتوری اینکا درگیر یک جنگ داخلی خونین بود. این جنگ میان دو برادر بر سر جانشینی تاج‌وتخت درگرفته بود و امپراتوری را به‌شدت تضعیف کرده بود و نیروهایش را خسته و پراکنده ساخته بود.

پizarro با درک این فرصت، از ناآرامی‌های داخلی به سود خود استفاده کرد. او در نوامبر ۱۵۳۲، پادشاه را به دام انداخت. در ملاقاتی که با نیرنگ ترتیب داده شده بود، اسپانیایی‌ها با وجود تعداد بسیار اندک خود، با استفاده از غافلگیری، اسب‌ها و سلاح‌های آهنین، بر ارتش عظیم اینکا چیره شدند و امپراتور را به اسارت گرفتند. امپراتور برای آزادی خود، اتاقی پر از طلا و نقره پیشنهاد کرد و اسپانیایی‌ها آن را پذیرفتند. با این حال،

میان برادرانمان نیز کسانی بودند که این هر دو خط را باهم ادامه دادند. آقای هاشمی رفسنجانی یکی از برجسته‌ترین آنها بود. یک بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ایشان گفتم: در این پانزده سال گذشته، یک روز هم از زندگی من بدون مقاومت علیه رژیم نگذشت؛ در این مدت، یک شب هم بدون نگرانی نخوابیدیم؛ چون شب‌های ما یا در زندان می‌گذشت یا در تبعیدگاه، و یا در انتظار زندان و تبعید. آقای هاشمی گفت: من هم همین‌طور.

البته برادرانی که در «خط فکری» بودند، ما را پشتیبانی و یاری می‌کردند. شهید مطهری هجده سال از من بزرگ‌تر بود یعنی یک نسل از من مسن‌تر بود- با این‌همه، باهم دوستی فوق‌العاده‌ای داشتیم. ایشان همواره می‌کوشید از جایگاه اجتماعی من حمایت کند و در سخنرانی‌ها و مجالس خود از من یاد می‌کرد. دکتر شریعتی نیز زندگی اسلامی خود را در میدان مقاومت آغاز کرد و سپس به روشنگری و آگاهی‌بخشی روی آورد. من درباره افکار او ملاحظاتی دارم که در جای خود بیان خواهم کرد.

برادرانم، برخی به مبارزه سیاسی می‌پرداختند و برخی نمی‌پرداختند؛ اما چنان‌که گفتم، با یکدیگر همکاری و تشریک مساعی داشتیم. فعالیت اسلامی اقتضا می‌کند که همه‌ی نیروها باقابلیت‌ها و سلیقه‌های گوناگون جذب شوند. مردم در این زمینه باهم متفاوتند. در حدیث مأثور آمده: «لَوْ عَلِمَ النَّاسُ كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى هَذَا الْخَلْقَ لَمْ يَلْمُ أَحَدٌ أَحَدًا». . و این با اصل اختیار منافاتی ندارد، بلکه بر وجود اختلاف در طبیعت افراد بشر تأکید دارد. به عقیده من اگر فعالیت آگاهانه فکری اسلامی از جنبش و مبارزه جدا شود، خشک و بی‌روح می‌شود. روح مبارزه دینی هم اگر از آگاهی و اندیشه عاری گردد، دچار ارتجاع و تحجر می‌گردد. ترکیب مقاومت با آگاهی‌بخشی و رشد فکری، خط انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد.»

۳

تاریخ

شماره ۱۲۵۱ | دوشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۵

صداق

| تقویم انقلاب |

ناکارآمدی اهرم حقوق بشر آمریکایی

رسوایی‌های آمریکا در تاریخ معاصر ایران-۱۸



سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر

انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ در فضای سیاسی جنگ سرد رخ داد. به عبارتی نظام جهانی مبنی بر دو قطب شرق و غرب قرار داشت، هر تغییر و تحولی در جهان در ذیل جنگ سرد تعریف و یا تحلیل می‌شد؛ اما در این میان چند تحول با سمت و سوی دموکراسی بود.

۱- کنفرانسی با حضور ۳۵ کشور اروپایی در شهر هلسنیکی کشور فنلاند برگزار شد با هدف ایجاد صلح و ثبات در بین کشورهای شرق و غرب اروپایی که اعضای آن هم جز پیمان‌های «ناتو» و «ورشو» بودند، پس از بحث و گفت‌وگوها در نهایت با سندی در اول ماه اوت سال ۱۹۷۵ میلادی به امضا رسید که به «توافق هلسنیکی» معروف شد که به عبارتی پایه و سنگ زیرین سیاست‌های اروپایی‌ها گردید که بر مناقشات حقوق بشر اثر گذاشت به طوری که آمریکایی‌ها هم تحت تأثیر قرار گرفتند و نمونه‌ای در انتخابات دیده می‌شود.

۲- انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا که در قالب دو حزب، یکی به نام «جمهوری‌خواه» و دیگری «حزب دموکرات» نامیده می‌شود در زمستان سال ۱۳۵۵ در دستور کارشان قرار گرفت. حزب دموکرات با کاندیداتوری جیمی کارتر با طرح شعار حقوق بشر به میدان مبارزات انتخاباتی آمده بود و با همین شعار بررقیش پیروز و رئیس‌جمهور آمریکا شد.

۳- در این رقابت انتخاباتی شاه ایران از طرفداران حزب جمهوری‌خواه بود در آن موقع احساس کرد که در واقع ضربه سنگینی را باید تحمل کند. از طرفی رژیم شاه مجبور بود مقید به سیاست‌ها و برنامه‌های آمریکایی‌ها باشد و از طرفی هم معتقد بود که جز با اعمال خشونت و شکنجه و زندان و تقویت دستگاه‌های امنیتی نمی‌تواند به حکومت خودش ادامه بدهد. چون شعار حقوق بشر درست مقابل سیاست‌های اعمال شده رژیم شاه در ایران بود.

۴- موقعیت‌های استراتژیکی ایران ضرری بود که آمریکا حاضر نبود به هیچ وجه حتی در زمینه حقوق بشر در ایران خیلی سخت‌گیری کند. چون وقتی وزیر خارجه وقت آمریکا سایروس ونس، در کنگره آمریکا برنامه سیاست خودش را اعلام کرد از او پرسیدند اگر اجرای مقررات حقوق بشر به منافع و امنیت آمریکا ضربه بزند کدام مقدمه‌ند؟ سایروس ونز پاسخ داد: «البته حقوق بشر تا آنجایی مورد توجه می‌باشد که به امنیت ما لطمه نزند» علاوه بر آن، زمانی که کارتر در دی‌ماه سال ۱۳۵۶ به ایران آمد در یک مصاحبه مطبوعاتی در هنگام ترک ایران از او پرسیدند، آیا شما راجع به مسئله حقوق بشر با مقامات ایرانی صحبت کرده‌اید؟ پاسخ داد: «در این مورد تذکراتی داده شد.» به همین پاسخ کوتاه اکتفا کرد.

۵- در این بحث یک واقعیت را به خوبی نشان می‌دهد که حقوق بشر مطرح در جهان معاصر دست ساخته‌ای برای کسب قدرت سیاسی ساخته شده است و یک اهرم فشار است و پس.

قبلیه عشق

شهادت
در روز تولد فرزند!

حسین علاقه بسیاری به معصومین(ع) داشت، خصوصاً به حضرت فاطمه(س) و هر چه می‌خواست از ایشان طلب می‌کرد. در زمان عقد یک‌بار به من گفت که سالروز شهادت حضرت فاطمه(ع) روزه می‌گیرد و دوست دارد تا زمان زنده بودنش این نذر را ادا کند. این نوع ارادت موجب شد بیشتر اوقات در خانه ما مراسم روضه برپا می‌شد که در این میان روضه برای حضرت فاطمه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و بیشتر اوقات به صورت خانوادگی روضه برپا می‌کردیم. سه، چهار روز قبل از شهادتش، به دلیل اینکه به آنها اعلام شده بود قرار است عده‌ای امنیت و نظم شهر را به‌هم بریزند، ایشان در آماده‌باش بود. یک شب بین ساعت ۲ تا ۳ شب یک شماره ناشناس با من تماس گرفت. وقتی تلفن را جواب دادم متوجه شدم حسین پشت خط است. وقتی علت را پرسیدم، گفت گوشیم از جیبم افتاد وزیر چرخ موتور شکسته است. پیش خودم گفتم اتفاق بدی افتاده و می‌خواهد من ناراحت نشوم.

وقتی خانه آمد متوجه سوختگی و کبودی پایش شدم. علت را پرسیدم که گفت چند کوکتل مولوتوف کنارمان انداختند. به زور او را به بیمارستان بردم و پایش را پانسمان کردم، از آنجا که خانه‌نشینی را دوست نداشت با وجود این آسیب و به‌رغم مخالفت فرمانده‌اش به محل کارش حاضر شد.

۱۷دی بود و دومین سال تولد پسرم فواد؛ حدود ساعت ۱۲ ظهر بود که از محل کار با ایشان تماس گرفته شد و اعلام شد که در این شرایط خاص باید در محل کارش حاضر شود. هر چه اصرار کردم تولد فرزندمان است نرو، قبول نکرد و بعد هم گفت می‌رود و زود برمی‌گردد. سریع لباس‌هایش را پوشید و برای آخرین بار از ما خداحافظی کرد و رفت. از آنجا که حسین جزویگان ویژه موتوری بود، نمی‌شد زیاد با ایشان تماس گرفت. اما من مرتب به ایشان پیام می‌دادم که نگرانم، کجایی و چه کار می‌کنی. در آخرین پیام برایش نوشتم که حسین در این سه سال ندیدم که یک‌بار من را نگران کنی و استرس بدهی. نهایتاً من به اتفاق پدرم، پدر شوهرم رقتیم محل کار حسین. آنجا بود که متوجه شدم شهید شده است.

به نقل از همسر شهید حسین رضانی

شهید «حسین رضانی» از شهدای واقعه دردناک میدان علیخانی اصفهان است که روز ۱۸ دی‌ماه توسط تروریست‌های آشوب‌طلب به شهادت رسید.

حسن نوروزی

دبیر گروه سپاه



سردار یدالله جوانی گفت: آنهایی که می‌گویند اگر غنی‌سازی را متوقف می‌کردیم جنگ نمی‌شد یا اطلاعات دقیق تاریخی ندارند یا از تحلیل درست بی‌بهره‌اند.

معاون سیاسی سپاه، در گفت‌وگویی تلویزیونی با تأکید بر اینکه «واقعیت‌های قدرت ایران» باید برای افکار عمومی روایت شود، اظهار داشت: واقعیت امروز این است که ایران کشوری قوی و قدرتمند است؛ البته هر کشوری اشکالات، نواقص، کاستی‌ها و کمبودهایی دارد، اما قدرت یک امر واقعی است و به‌ویژه زمانی که جنگی اتفاق می‌افتد، میزان قدرت کشورها و ملت‌ها آشکار می‌شود.

وی با اشاره به تجربه جمهوری اسلامی ایران در جنگ‌های مختلف افزود: ملت ایران طی ۴۷ سال گذشته در برابر فشارها و توطئه‌های دشمن ایستادگی کرده و جنگ هشت‌ساله، جنگ ۱۲روزه، جنگ ۴۰روزه و شش‌ماه درگیری اخیر را پشت سر گذاشته است؛ امروز در جهان قضایوتی درباره ایران شکل گرفته و آن، قضایوت «ایران قوی» است.

معاون سیاسی سپاه با اشاره به تأکید رهبر معظم انقلاب بر ضرورت روایت قدرت ملت ایران گفت: روایت قدرت جمهوری اسلامی نباید صرفاً یک امر ذهنی، هیجانی یا عملیات روانی و شناختی باشد، بلکه باید بر پایه واقعیت‌ها صورت بگیرد. وقتی واقعیت‌ها را روایت می‌کنیم، سیمای امروز ایران، سیمای یک کشور قدرتمند است و این قضایوت فقط در داخل ایران نیست، بلکه در سطح جهان نیز وجود دارد.

دکتر جوانی با اشاره به تحلیل برخی رسانه‌های غربی درباره تحولات جنگ اخیر گفت: رسانه‌هایی مانند رویترز، نیویورک‌تایمز نیز به واقعیت‌های موجود اشاره کرده‌اند. نیویورک‌تایمز اخیراً نوشته است که با گذشت شش ماه از جنگی که آمریکا با تصور غلبه ۴۸ تا نهایتاً ۷۲ ساعته بر ایران آغاز کرد، ایران قوی‌تر از گذشته شده و آمریکا سردرگم‌تر از قبل است. وی ادامه داد: رویترز نیز از قرار گرفتن آمریکا و رژیم صهیونیستی در یک بن‌بست و شرایط پرهزینه سخن گفته و برخی تحلیلگران آمریکایی نیز معتقدند واشنگتن دیگر برگ نظامی جدیدی در برابر ایران ندارد؛ چراکه آنچه در اختیار داشته در روزهای نخست جنگ به میدان آورده، در حالی که ایران همچنان

معاون سیاسی سپاه

کسانی که جنگ را نتیجه غنی‌سازی می‌دانند تاریخ را درست نخوانده‌اند



توانمندی‌های جدیدی برای ارائه دارد.

♦ میدان، قدرت ایران را آشکار کرد

معاون سیاسی سپاه با بیان اینکه ایران پس از هر جنگ توانمندتر و قدرتمندتر شده است، گفت: جنگ اخیر نیز قدرت ایران را نمایان کرد. ما اکنون در میانه جنگ قرار داریم و باید این جنگ را به پایان برسانیم و دستاوردها، موفقیت‌ها و پیروزی‌ها را تثبیت کنیم تا در تاریخ، یک پیروزی راهبردی برای ملت ایران و یک شکست راهبردی برای دشمن ثبت شود. سردار جوانی با اشاره به تلاش دشمن برای ایجاد خطای محاسباتی در داخل کشور تصریح کرد: دشمن برایش پذیرش این شکست بسیار سخت است و به همین دلیل باید مؤلفه‌های قدرت خود را حفظ کنیم؛ چراکه پشتوانه اصلی قدرت ما ملت ایران است.

وی درباره نحوه پرداختن به مشکلات و نقاط ضعف کشور نیز گفت: اشکالات و نقاط ضعف برای مردم ملموس است و رهبر معظم انقلاب نیز در پیام خود به آنها اشاره کرده‌اند، اما بیان این مسائل در رسانه‌ها به شکلی که موجب امیدواری دشمن شود، می‌تواند دشمن را دچار خطای محاسباتی کند.

معاون سیاسی سپاه افزود: این به معنای بستن چشم بر مشکلات نیست؛ بلکه مشکلات باید در اتاق‌های کارشناسی، جلسات هیئت دولت، کمیسیون‌های مجلس و نشست‌های تخصصی میان مسئولان بررسی و برای آنها راهکار ارائه شود. نباید مشکلات را به گونه‌ای روایت کنیم که دشمن احساس امیدواری کند و دچار خطای محاسباتی شود.

♦ آمریکا اشتباه محاسباتی کرد

دکتر جوانی با بیان اینکه آمریکا اساساً بر مبنای

یک اشتباه محاسباتی وارد جنگ با ایران شد، اظهار داشت: اگر ترامپ از ابتدا پیش‌بینی می‌کرد که در طول این شش ماه چه اتفاقاتی رخ خواهد داد، قطعاً جنگ را آغاز نمی‌کرد. او ایران را ضعیف محاسبه کرده بود و با تصور یک ایران ضعیف وارد جنگ شد، اما در میدان مشخص شد که ایران، ملت ایران و نیروهای مسلح ما ضعیف نیستند و مؤلفه‌های قدرت در کشور وجود دارد.

وی ادامه داد: از این به بعد نیز باید همین مسیر را دنبال کنیم و اجازه ندهیم دشمن دچار خطای محاسباتی شود؛ البته اگر دشمن مجدداً دچار چنین خطایی شود، قدرت ایران در میدان عمل بیش از گذشته برای او آشکار خواهد شد. معاون سیاسی سپاه با اشاره به سخنان فرماندهان شهید نیروهای مسلح گفت: فرماندهان شهیدی مانند شهید تنگسیری، شهید حاجی‌زاده، شهید سلامی، شهید رشید و شهید باقری همواره در رزمایش‌ها تأکید می‌کردند آنچه در رزمایش‌ها به نمایش گذاشته می‌شود، تنها بخشی از قدرت ایران و پیامی برای دشمن است.

سردار جوانی افزود: وجه مشترک سخنان فرماندهان شهید و فرماندهان امروز این بود که دشمن قدرت واقعی ایران را در میدان نبرد واقعی احساس خواهد کرد. امروز شش ماه از جنگ گذشته و در نبرد هرمز نیز آمریکایی‌ها اهداف خود را نتزل دادند و تلاش کردند تنگه هرمز را باز کنند، اما موفق نشدند.

هسته‌ای تنها بهانه‌ای برای فشار بر ایران است.

♦ هسته‌ای بهانه است

دکتر جوانی در ادامه با رد این ادعا که دشمنی آمریکا با ایران صرفاً به دلیل برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی است، اظهار داشت: اگر کسی اشراف تاریخی بر رویارویی ایران و

غرب، به‌ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی داشته باشد، متوجه می‌شود که مسئله اصلی آنها با ایران، مسئله هسته‌ای نیست.

معاون سیاسی سپاه با اشاره به سابقه دخالت آمریکا در ایران گفت: قبل از انقلاب، غرب ایران را تحت سلطه خود داشت و امام خمینی(ره) کار بزرگی انجام داد و ایران را از سلطه آمریکا خارج کرد. از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا مسیر براندازی جمهوری اسلامی را دنبال کرد. سردار جوانی تصریح کرد: وقتی از جمهوری اسلامی سخن می‌گوییم، از یک حکومت مردمی، مستقل و مبتنی بر حاکمیت ملی صحبت می‌کنیم؛ چیزی که غرب آن را بر نمی‌تابد. آنها خواهان یک نظام دست‌نشانده مانند رژیم پهلوی هستند تا منافع و امیال خود را در ایران دنبال کنند.

وی با اشاره به اظهارات اخیر ترامپ گفت: ترامپ پیش از آغاز جنگ با صراحت گفت رؤسای جمهور پیشین آمریکا در ۴۷ سال گذشته تلاش کردند جمهوری اسلامی ایران را براندازی کنند اما موفق نشدند. این سخن، اعتراف مهمی است که نشان می‌دهد مسئله آمریکا با جمهوری اسلامی، فراتر از مسئله هسته‌ای است.

معاون سیاسی سپاه خاطر نشان کرد: مسئله هسته‌ای ایران از دهه‌های بعد مطرح شد، اما از همان سال‌های ابتدایی انقلاب، جنگ هشت‌ساله، کودتاها، توطئه‌ها و اقدامات تجزیه‌طلبانه علیه ایران وجود داشت. بنابراین اینکه گفته شود اگر ایران غنی‌سازی را کنار می‌گذاشت، دیگر جنگ و فشار علیه کشور اتفاق نمی‌افتاد، با واقعیت‌های تاریخی سازگار نیست.

سردار جوانی افزود: مسائل هسته‌ای، حقوق بشر، موشکی و مقاومت، بهانه‌هایی برای فشار هستند، نه ریشه اصلی اختلاف. مسئله اصلی، «ایران مستقل، حاکمیت ملی، ایران قوی و حرکت ایران در مسیر پیشرفت» است.

وی تأکید کرد: آنها با یک حرکت مردمی، آزادی‌خواهانه، عزت‌طلبانه و مبتنی بر کرامت انسانی و جهان‌بینی توحیدی که در این جغرافیای راهبردی شکل گرفته، مشکل دارند و می‌خواهند این حرکت را متوقف کنند.

معاون سیاسی سپاه در پایان گفت: وقتی ترامپ می‌گوید ایران باید تسلیم شود، این همان خواسته‌ای است که رؤسای جمهور پیشین آمریکا نیز دنبال می‌کردند؛ تفاوت این است که برخی آن را صریح نمی‌گفتند. بنابراین باید به ماهیت این رویارویی توجه کرد و مسائل هسته‌ای را به‌عنوان ریشه اصلی دشمنی آمریکا با ایران تلقی نکرد.

خبر

شهادت بسیجی اهل سنت

به گزارش صبح صادق؛ به نقل از روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه، بسیجی اهل سنت «نادر سارانی سخی» روز شنبه در منطقه شیر آباد زاهدان در پی حمله افراد شور و کوردل به شهادت رسید. بدون تردید، خون پاک این شهید والا مقام، عزم نیروهای امنیتی و مردم را برای مقابله با ناامنی و شرارت مستحکم‌تر خواهد کرد. قطعاً عاملان این جنایت به سزای اعمال خود خواهند رسید و دستگاه‌های مسئول با جدیت موضوع را پیگیری خواهند کرد. پیکر مطهر شهید «نادر سارانی سخی» روز سه‌شنبه ۳ شهریورماه ۱۴۰۵، ساعت ۱۲ ظهر از میدان امام حسین(ع) تشییع شد.

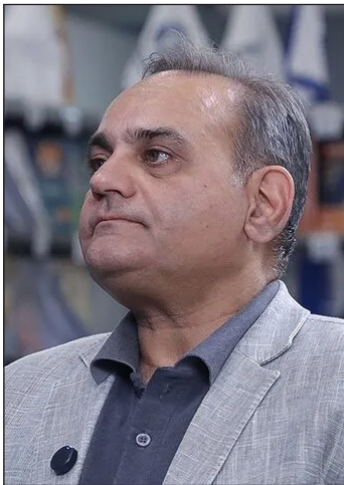
۱۶۵۰ پروژه

سردار رستمعلی رفیعی آتانی، فرمانده سپاه صاحب‌الامر(عج) استان قزوین از تحویل دو مجتمع آبرسانی در منطقه کوهین و فارسجین خبر داد و گفت: از ۹۸ روستا در ابتدای طرح، امروز تعداد روستاهای تحت پوشش این پروژه‌ها به ۱۴۶ روستا رسیده و بیش از ۲۲ هزار نفر از آب شرب پایدار بهره‌مند شده‌اند. وی با اشاره به آمار پروژه‌های سپاه در استان قزوین تصریح کرد: بیش از ۲ هزار و ۲۰۰ پروژه توسط سپاه در حال انجام است که از این میان، بیش از یک هزار و ۶۵۰ پروژه تا امروز تحویل داده شده و پروژه‌های امروز، ۱۶۵۰ پروژه محسوب می‌شود.

تسلط قاطع

فرماندهی نیروی دریایی سپاه به تازگی در پاسخ به ادعای آمریکایی‌ها در خصوص باز بودن تنگه هرمز اعلام کرد: اظهارات مقامات آمریکایی در مورد باز بودن تنگه هرمز دروغی آشکار و تنها به قصد کنترل قیمت نفت و سرپوش گذاشتن بر شکست‌های خود می‌باشد. تسلط بر این آبراه کاملاً قاطع است و با تمام قدرت و در کمال اقتدار تنگه هرمز بر روی تمامی کشتی‌هایی که بدون هماهنگی با ایران قصد تردد دارند، مسدود است و به ملت عزیز، شجاع و مبعوث شده ایران اطمینان می‌دهیم این روند تا پایان شرارت‌های ارتش تروریستی آمریکا علیه کشورمان و اجرای تعهدات مقرر ادامه خواهد یافت.

دولت حمایت از تولید را متوقف نکند



ساحل عباسی

خبرنگار

آرمان خالقی گفت: صنعتگرانی که می‌شناسیم معتقدند بعد از تجاوز نظامی اخیر آمریکا به کشور دولت برنامه حمایتی‌ای در راستای حمایت از تولید کشور نداشته است.

آرمان خالقی، رئیس خانه صنعت، تجارت ومعدن ایران در گفت‌وگو با «صبح صادق» درباره حمایت‌های ادعا شده از سوی دولت از بخش تولید در پاسخ به این پرسش که آیا بسته ۷۰۰ همتی دولت در حمایت از فعالیتهای مولد به بنگاه‌های تولیدی اعطا شده است، گفت: با اینکه در موضوع حمایت دولت از بخش‌های مولد کشور، نسبت به این موضوع وروش‌های دولت منتقد هستیم، اما به دلیل شرایط خاص کنونی کشور بهتر است منصفانه قضاوت کنیم و عملکرد دولت را ارزیابی کنیم. از این رو واقعیت درباره بسته ۷۰۰ همتی مورد ادعای دولت این است که اطلاعات روشن و شفافیتی مبنی بر اینکه حمایت‌ها به کدام بنگاه‌های اقتصادی تخصیص یافته است وجود ندارد یا حداقل ما اطلاعی از آن نداریم. وی در این باره تأکید کرد: با اینکه دولتمردان به ویژه بانک مرکزی ادعا دارند که در راستای حمایت از بخش مولد ۷۰۰ همت تخصیص داده شده است، اما متأسفانه هنوز به این پرسش‌ها پاسخی داده نشده که تسهیلات مورد ادعای بانک مرکزی چگونه و به چه کسانی و کدام بنگاه‌های تولیدی پرداخت شده است؟

این فعال تجاری و اقتصادی در ادامه بحث تصریح کرد: وقتی نظام بانکی کشور در

راستای حمایت از بخش مولد طی سال‌های گذشته منابعی به عنوان وام و تسهیلات به بخش مولد تخصیص می‌دادند؛ البته از سمت دولت یا به خواست دولت، بنگاه‌های دریافت‌کننده این تسهیلات و میزان تسهیلات پرداخت شده و... کاملاً شفاف بود. از سوی دیگر حتی تمديد تسهیلات گذشته را به عنوان تخصیص منابع تلقی می‌کنند در صورتی که ۷۰۰ همت ادعایی منابع جدید برای حمایت از تولید است و با تزریق این بودجه مالی به فرآیند تولید در کشور قرار است دولت نقش یک حمایتگر را برای تولید کشور ایفا کند. این فعال اقتصادی یادآور شد: متأسفانه تاکنون نام و عنوان بنگاه خاصی که ادعا کند از طرف دولت و بانک مرکزی مورد حمایت واقع شده است مطرح نشده است؛ اگر هم برخی از بنگاه‌ها این تسهیلات را گرفته‌اند اما آن را کتمان می‌کنند ما از آن بی‌خبریم! اما واقعیت این است فضای تولید در کشور رنگ و بویی از پرداخت چنین تسهیلاتی و وجود چنین حمایت‌هایی ندارد.

آرمان خالقی معتقد است: صنعتگرانی که می‌شناسیم تا کنون ادعایی مبنی بر دریافت وام و تسهیلات با عنوان حمایت از خط تولید بخصوص بعد از تجاوز نظامی اخیر آمریکا به کشور نداشته‌اند و معتقدند دولت منابع حمایتی خاصی به آنها اختصاص نداده و اصولاً از نحوه حمایت‌های دولت رضایت ندارند. ضمن اینکه تشکل‌هایی مانند اتاق‌های بازرگانی، انجمن تخصصی و خانه صنعت، معدن و تجارت ایران این موضوع را تأیید کرده‌اند.

این کارشناس تجارت خارجی و فعال تجاری در ادامه بحث تصریح کرد: فعالان بخش تولید و بنگاه‌های تولیدی بر این موضوع تأکید

دارند اگر نظام بانکی کشور در راستای تکالیفی دولت منابعی به بخش تولید تخصیص داده‌اند باید فهرست منابع اختصاص داده شده را به صورت شفاف منتشر کنند یا در صورتی که میلی برای انتشار شفاف آن وجود ندارد بهتر است حداقل این موضوع را با دعوت از نمایندگان تشکل‌های تجاری و تولیدی شفاف‌سازی کنند.

این کارشناس وتحلیلگر تجارت خارجی گفت: به عنوان مثال گفته شود این مبلغ و این میزان اعتبار به صنف پایین دست تخصیص داده شده است اما تاکنون این مدل فهرست‌ها در اختیار نمایندگان تشکل‌ها قرار نگرفته است.

خالقی معتقد است: دولت و نظام بانکی کشور حمایت از تولید را نباید متوقف کنند، در یک سال گذشته بخش‌هایی از بدنه تولید و بنگاه‌های تولیدی به دلیل حملات نظامی متجاوزان به شدت آسیب دیده یا حتی از مدار کار و تولید خارج شده‌اند. طبیعتاً حمایت‌های دولت از تولید همواره ضروری بوده است اما در این شرایط ضرورت آن دوچندان شده است.

وی در ادامه بحث افزود: شعار حمایت از تولید نباید در حد حرف و شعار باقی بماند؛ بلکه تولید نیازمند حمایت بی‌وقفه و همه‌جانبه است، اثرات حمایت از تولید تک‌بعدی نیست بلکه دامنه اثرگذاری بسیار وسیعی دارد که از تأمین معاش مردم تا ایجاد اشتغال، افزایش رفاه، تأمین نیازهای جامعه بدون ارز بری یا با ارزبری کمتر و در نهایت صادراتی که از این محل اتفاق می‌افتد دستاوردهای قابل توجهی برای اقتصاد کشور به دنبال دارد. در واقع با حمایت از تولید همه پارامترها و شاخص‌های اقتصادی دستخوش تغییرات مثبتی می‌شوند.

آرمان خالقی معتقد است: مادر این باره منصفانه سخن گفتیم که دولت و بانک مرکزی بر حمایت از تولید اصرار دارند وهمواره بر این موضوع تأکید می‌کنند که مایلند و باید از بنگاه‌های تولیدی و صاحبان کسب‌وکارها بخصوص کسب و کارهای خرد و متوسط حمایت کنند؛ لذا انتظار می‌رود دولت نیز با فعالان بخش مولد گفت‌وگو و رایزنی شفافیتی داشته باشد.

رئیس خانه صنعت و معدن و تجارت ایران در ادامه بحث تأکید کرد: حمایت از تولید یک ضرورت بدون بازگشت است. در حمایت از تولید کشور هیچ فرد و دستگاه و مسئولی نباید کمترین شک و شبیه‌ای داشته باشد ضمن اینکه درموضوع حمایت هم باید شفافیت وجود داشته باشد و اعطای تسهیلات به بنگاه‌هایی اختصاص داده شود که واقعا در عرصه تولید و حمایت از اقتصاد کشور هستند. چرا که به هر حال ما در سالیان گذشته همواره شاهد اتلاف منابع و انحراف آن در تسهیلات بانکی بوده‌ایم.

وی در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: قطعاً از کسب‌وکارهایی که در زمان جنگ آسیب دیده‌اند یا با تمام ظرفیت خود کار نمی‌کنند و بنگاه‌هایی که مجبور به تعدیل نیرو شده‌اند باید حمایت شود؛ حمایتی همه‌جانبه چرا که بخشی از این حمایت به صورت مالی و در قالب اعطای تسهیلات است لذا در همه حوزه‌ها اعم از قوانین و موضوع مجوزها و سایر حوزه‌ها باید تسهیل‌گری شود تا حمایتی واقعی از بنگاه‌های تولیدی صورت بگیرد، حمایتی که درواقع به نفع کل کشور و دولت است و می‌تواند حلال و راهکار برون رفت از برخی چالش‌هایی باشد که با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم.

افزوده

پول داغ

اقتصاددانان به منابع مالی‌ای که صاحبان آن به‌دنبال کسب بازده سریع هستند و معمولاً با کوچک‌ترین تغییر در نرخ سود، ریسک یا چشم‌انداز اقتصادی، مقصد خود را تغییر می‌دهند «پول داغ» می‌گویند. این منابع می‌توانند به‌سرعت میان بازارهایی مانند ارز، سهام، طلا و سپرده‌های بانکی جابه‌جا شوند. ورود گسترده پول داغ به یک بازار ممکن است قیمت دارایی‌ها را موقتاً افزایش دهد، اما خروج ناگهانی آن می‌تواند به افت شدید قیمت‌ها و بی‌ثباتی منجر شود. به همین دلیل، اقتصاددانان حرکت این نوع سرمایه را یکی از نشانه‌های مهم برای سنجش ثبات بازارهای مالی می‌دانند؛ سرمایه‌ای که بیشتر از تولید، به دنبال فرصت است.



شاخص

تاوان روزانه!

بر اساس گزارش شورای جهانی سفر و گردشگری، جنگ اخیر ایران باعث شده کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس روزانه دست‌کم ۶۰۰ میلیون دلار از کاهش هزینه‌کرد گردشگران بین‌المللی ضرر کنند. نکته عجیب‌تر اینکه حتی مقاصدی که مستقیماً درگیر جنگ نیستند هم با افت تقاضا مواجه شده‌اند. اگر این روند فقط ۳ ماه ادامه پیدا کند، بین ۶۵ تا ۵۰ میلیارد دلار از گردش مالی صنعت سفر منطقه ممکن است از اقتصاد این کشورها حذف شود. این موضوع نشان می‌دهد که قدرت ایران تنها در میدان نظامی نمایان نمی‌شود بلکه دامنه اثرگذاری تهران تا نبض اقتصاد گردشگری و درآمد کشورهای منطقه امتداد دارد.



منهای نفت

۳۰۰ میلیون دلار

علیرضا کیانی رئیس انجمن صنایع شوینده، آرایشی و بهداشتی با اعلام اینکه ارزش بازار مواد شوینده و بهداشتی در سال گذشته به ۲۶۰ هزار میلیارد تومان رسیده است، گفت: علی‌رغم چالش‌های ارزی و لجستیکی، با برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده هیچ‌گونه کمبودی در بازار رخ نخواهد داد. وی ادامه داد: در حال حاضر انواع محصولات شوینده و بهداشتی کشور به بازارهای هدف صادر می‌شود که ارزش آن بالغ بر ۳۰۰ میلیون دلار است. بدون شک در صورت روان‌سازی و تأمین به موقع ارز، امکان توسعه صادرات و فتح بازارهای جدید در خاور میانه و قاره آفریقا نیز برای تولیدکنندگان ایرانی فراهم خواهد شد.



یادداشت

این یک مسئله اقتصادی نیست!

حسن حیدری

دانشیار اقتصاد
دانشگاه تربیت مدرس

قرار بود از بامداد پنجشنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۵، بنزین بدون یارانه و با نرخ تمام شده پالایشگاهی، هر لیتر ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومان، به‌صورت آزمایشی در استان کرمان عرضه شود؛ اما این طرح تنها چند ساعت بعد از اعلام متوقف شد. این اتفاق، فارغ از جزئیات اجرایی آن، یک پیام مهم دارد: «اصلاح قیمت انرژی در ایران صرفاً یک مسئله اقتصادی نیست» بلکه مسئله‌ای اجتماعی، سیاسی و امنیتی نیز هست. تجربه جهانی نشان می‌دهد اصلاح یارانه انرژی زمانی شانس موفقیت بیشتری دارد که با سیاست اجتماعی مناسب، شفافیت درباره نحوه مصرف منابع، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و اعتماد عمومی همراه باشد. مردم الزاماً با اصلاح یارانه‌ها مخالف نیستند؛ مسئله اصلی آنها این است که چرا باید هزینه این اصلاح از جیب آنها پرداخته شود. به عبارتی منابع آزاد شده قرار است چگونه مصرف شود؟ در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳ افزایش تدریجی قیمت انرژی، در محیطی از ثبات نسبی نرخ ارز، تورم پایین‌تر، رشد اقتصادی و تنش‌زدایی خارجی انجام شد و از نظر پذیرش اجتماعی تجربه نسبتاً موفق بود. بنابراین موفقیت آن دوره را نمی‌توان فقط به «افزایش تدریجی قیمت» نسبت داد؛ محیط اقتصادی و سیاسی نیز بخشی از سیاست اصلاح قیمت بود. امروز شرایط متفاوت است. تورم بالا، کاهش قدرت خرید، تحریم و ریسک‌های ژئوپلیتیک، توان خانوارها برای جذب یک شوک جدید را کاهش داده است. از سوی دیگر، افزایش قیمت سوخت از طریق حمل و نقل به قیمت بسیاری از کالاها و خدمات منتقل می‌شود. حتی ایده اختصاص سهمیه به «فرد» به جای «خودرو» نیز همه مسئله را حل نمی‌کند. فرد فاقد خودرو ممکن است سهمیه خود را بفروشد، اما همزمان با افزایش کرایه حمل و نقل و قیمت کالاها مواجه می‌شود. ضمن اینکه کم‌درآمدها الزاماً مصرف‌کننده کم‌بنزین نیستند؛ برای بسیاری از رانندگان تاکسی، وانت و موتورسیکلت، سوخت ابزار تولید درآمد و گذران زندگی است. از سوی دیگر، نمی‌توان قیمت بنزین را اصلاح کرد اما بازار خودرو و حمل و نقل عمومی را دست‌نخورده گذاشت. اصلاح باید بخشی از یک بسته بزرگ‌تر باشد: «اصلاح تدریجی و مستمر قیمت انرژی، اصلاح بازار خودرو، توسعه واقعی حمل‌ونقل عمومی، اصلاح نظام مالیاتی، کاهش رانت و اتلاف منابع، شفافیت در مصرف منابع آزادشده و کاهش ریسک‌های خارجی.» در نهایت، سؤال اصلی این نیست که قیمت واقعی بنزین چقدر است؟ سؤال اصلی این است که چه کسی هزینه اصلاح را می‌پردازد و در مقابل چه چیزی دریافت می‌کند؟ اگر قرار باشد هزینه این اصلاح فقط با مردم باشد، اصلاحات با مقاومت مواجه خواهد شد. اما اگر مردم ببینند که دولت نیز همزمان حکمرانی خود را اصلاح می‌کند، آن‌گاه اصلاح قیمت انرژی می‌تواند بخشی از یک قرارداد اجتماعی جدید باشد. مسئله بنزین در ایران در نهایت مسئله قیمت نیست؛ مسئله نحوه تقسیم هزینه اصلاحات میان دولت و جامعه است.

دیگران

آینده‌فضا!

صبح صادق این نوشتار را صرفاً جهت اطلاع مخاطبان منتشر می‌کند/ در سخنرانی دونالد ترامپ در مرکز فضایی جانسون ناسا(NASA’s Johnson Space Center) در شهر هیوستون ایالت تگزاس، یکی از محورهای مهم سخنان وی به نقش دانشگاه‌ها و آکادمی‌های نظامی در ساخت آینده قدرت فضایی و فناوری آمریکا اختصاص داشت. این سخنرانی در مراسم تقدیر از فضانوردان مأموریت آرتیس ۲ و در حضور مدیران ناسا، مهندسان، فضانوردان و فعالان صنعت فضایی برگزار شد؛ جایی که ترامپ ضمن تأکید بر اهمیت رهبری آمریکا در عرصه فضا، از ضرورت ایجاد یک نظام آموزشی جدید برای تربیت متخصصان و نیروهای راهبردی سخن گفت.

ترامپ در این سخنان، دانشگاه‌های نظامی آمریکا مانند آکادمی نظامی وست‌پوینت (West Point)، آکادمی نیروی دریایی آمریکا (Annapolis) و آکادمی نیروی هوایی را نمونه‌هایی موفق از پیوند میان آموزش عالی، رهبری نظامی و منافع ملی معرفی کرد. از نگاه وی، این مراکز صرفاً مؤسسات آموزشی نیستند، بلکه نهادهایی هستند که نسل آینده فرماندهان، مهندسان و مدیران راهبردی کشور را تربیت می‌کنند. او با اشاره به تشکیل نیروی فضایی آمریکا (Space Force) تأکید کرد که حوزه فضا نیز برای حفظ برتری ایالات متحده نیازمند یک مرکز آموزشی در سطح آکادمی‌های نظامی موجود است.

بر اساس دیدگاه مطرح‌شده در سخنرانی ترامپ، رقابت فضایی آینده تنها به فناوری و تجهیزات وابسته نیست، بلکه به کیفیت نیروی انسانی بستگی دارد. توسعه ماهواره‌ها، مأموریت‌های ماه، اکتشافات فضایی دوردست و حفاظت از منافع آمریکا در فضا، نیازمند تربیت افرادی است که هم از دانش فنی برخوردار باشند و هم توانایی رهبری، مدیریت بحران و تصمیم‌گیری راهبردی داشته باشند. در همین چارچوب، ترامپ از برنامه ایجاد «آکادمی فضایی آمریکا» سخن گفت؛ نهادی که قرار است الگویی مشابه دانشگاه‌های نظامی سنتی داشته باشد و برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز نیروی فضایی آمریکا، ناسا و صنعت فضایی خصوصی فعالیت کند.

اهمیت دانشگاه‌های نظامی در نگاه ترامپ، تنها به آموزش مهارت‌های تخصصی محدود نمی‌شود، بلکه به ایجاد فرهنگ خدمت، انضباط، مسئولیت‌پذیری و رهبری ملی نیز ارتباط دارد. دانشگاه‌های نظامی آمریکا طی دهه‌های گذشته نقش مهمی در تربیت فرماندهان، مدیران فناوری و متخصصانی داشته‌اند که در حوزه‌های دفاعی و علمی فعالیت کرده‌اند. ترامپ معتقد است که حوزه فضایی نیز به چنین الگویی نیاز دارد؛ زیرا فضا به یکی از عرصه‌های مهم رقابت‌های امنیتی، اقتصادی و علمی جهان تبدیل شده است.

از منظر این رویکرد، دانشگاه‌های نظامی حلقه اتصال میان امنیت ملی، نوآوری علمی و توسعه فناوری محسوب می‌شوند. همان‌گونه که آکادمی‌های نظامی سنتی برای قدرت زمینی، دریایی و هوایی آمریکا نیروی انسانی تربیت کرده‌اند، آکادمی‌های جدید فضایی نیز قرار است پاسخگویی نیازهای عصر جدید باشند؛ عصری که در آن برتری در مدار زمین می‌تواند به اندازه برتری در خشکی، دریا و هوا اهمیت داشته باشد.

در مجموع، پیام اصلی ترامپ در مرکز فضایی جانسون ناسا این بود که آینده قدرت فضایی آمریکا پیش از آنکه در کارخانه‌ها یا پایگاه‌های پرتاب ساخته شود، در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی شکل می‌گیرد.



نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

در سال‌های اخیر جدای از جنگ‌ها و تهدیدهایی که علیه کشور ما تحمیل شده است، تغییرات ژئوپلیتیکی، رقابت قدرت‌های بزرگ، دگرگونی‌های فناورانه، تحولات اقتصاد جهانی، تغییر الگوهای ارتباطی و ظهور نسل جدیدی از مطالبات اجتماعی، محیط تصمیم‌گیری دولت و نظام را دشوارتر از گذشته کرده است. در چنین شرایطی، پرسش «چه خواهد شد؟» که امروزه بیش از هر زمانی در محافل مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورمان شنیده می‌شود، صرفاً یک پرسش معمول و ساده نیست؛ بلکه بازتاب نگرانی طبیعی جامعه نسبت به تحولات جدید و میزان آمادگی ساختارهای مدیریتی برای مواجهه با شرایط متغیر است.

در این میان، مسئله اصلی صرفاً پیش‌بینی آینده نیست، بلکه افزایش ظرفیت کشورمان برای مدیریت آینده است. تجربه تاریخی ملت‌ها نشان می‌دهد که در دوره‌های پرتلاطم، آن دسته از نظام‌ها توان عبور موفق از بحران‌ها را دارند که از نظام تصمیم‌گیری کارآمد، بوروکراسی توانمند، مدیران شایسته، سیاست‌های پایدار و سرمایه اجتماعی کافی برخوردار باشند. از این منظر، کارآمدسازی دولت و نظام حکمرانی را باید نه یک پروژه مقطعی و تاکتیکی، بلکه یک ضرورت راهبردی برای حفظ ثبات، پیشرفت کشور و ارتقای کیفیت زیست کلی جامعه دانست.

در چنین شرایطی این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان ظرفیت حکمرانی کشورمان را برای پاسخگویی به نیازهای جدید افزایش داد؟ فرضیه نگارنده این است که کارآمدی، حاصل ترکیب سه عنصر اساسی است: شایسته‌گزینی در سطح کارگزاران، اصلاح ساختارهای مدیریتی و اداری، و ایجاد اجماع گفتمانی درباره اهداف و اولویت‌های ملی؛ و طبیعا بدون توجه همزمان به این سه سطح، اقدامات اصلاحی کوتاه‌مدت، پراکنده و کم‌اثر خواهند بود.

♦ کارآمدی؛ از قدرت تصمیم‌گیری تا توان حل مسئله

در ادبیات علوم سیاسی و سیاست‌گذاری عمومی، مفهوم کارآمدی دولت به معنای توانایی یک نظام سیاسی برای تبدیل اهداف و مطالبات عمومی به نتایج ملموس است. کارآمدی صرفاً به معنای افزایش سرعت تصمیم‌گیری یا گسترش اختیارات اجرایی نیست؛ بلکه به توان دولت و حاکمیت در حل مسائل پیچیده، ارائه خدمات عمومی باکیفیت، حفظ امنیت، ایجاد فرصت‌های اقتصادی و افزایش رضایتمندی عمومی ارتباط دارد.

فرانسیس فوکویاما در کتاب «ساختن دولت» بر این نکته تأکید می‌کند که ظرفیت دولت، یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده مسیر توسعه کشورهاست. دولت و حکومت قدرتمند، حکومتی نیست که صرفاً منابع بیشتری در اختیار دارد، بلکه حکومتی است که بتواند منابع را با کمترین هزینه و بیشترین اثربخشی در جهت اهداف عمومی به کار گیرد. از همین منظر، کیفیت حکمرانی و توان سازمانی، مکمل اقتدار سیاسی و سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود.

داگلاس نورث، برنده جایزه نوبل اقتصاد نیز در کتاب «خشونت

و نظم‌های اجتماعی» با طرح مفهوم نظام‌های «دسترسی باز» و «دسترسی محدود» نشان می‌دهد که تفاوت اصلی جوامع موفق، صرفاً در منابع طبیعی یا موقعیت جغرافیایی نیست، بلکه در کیفیت نهادها و قواعد حاکم بر روابط اقتصادی و سیاسی آنهاست. در نظام‌هایی که فرصت مشارکت، رقابت سالم، حاکمیت قانون، حقوق مالکیت و دسترسی گسترده‌تر به فرصت‌ها تقویت شده است، امکان شکل‌گیری ظرفیت‌های پایدار توسعه افزایش می‌یابد.

البته تجربه جهانی نشان می‌دهد که مسیر توسعه کشورها یک الگوی کاملاً یکسان ندارد. بر برخی حکومت‌های توسعه‌گرا با ساختارهای سیاسی محدود نیز توانسته‌اند با ایجاد دیوان‌سالاری حرفه‌ای، تمرکز بر آموزش، توسعه زیرساخت‌ها و حمایت هدفمند از تولید ملی، مسیر رشد اقتصادی را طی کنند. تجربه کشورهایی مانند کره جنوبی، تایوان و سنگاپور نشان می‌دهد که عامل تعیین‌کننده، صرفاً شکل حقوقی نظام سیاسی نیست، بلکه کیفیت نهادها، شایسته‌سالاری مدیریتی و جهت‌گیری توسعه‌ای دولت اهمیت بنیادین دارد.

در مقابل، تجربه برخی کشورها نیز نشان می‌دهد که تمرکز قدرت بدون ایجاد سازوکارهای پاسخگویی، شفافیت و مدیریت حرفه‌ای می‌تواند به کاهش کارآمدی منجر شود. بنابراین مسئله اصلی برای هر نظام حکمرانی، ایجاد تعادل میان اقتدار لازم برای تصمیم‌گیری و سازوکارهای لازم برای افزایش کیفیت تصمیم‌هاست.

♦ مدیریت عدم قطعیت؛

نیازمند یادگیرنده و آینده‌نگر بودن

یکی از ویژگی‌های عصر کنونی، افزایش سرعت تغییرات است. در چنین محیطی، حکومت‌ها دیگر نمی‌توانند صرفاً بر اساس تجربه‌های گذشته یا الگوهای ثابت مدیریتی عمل کنند. حکومت موفق، حکومتی است که توان یادگیری سازمانی، تحلیل داده، پیش‌بینی روندها و اصلاح سیاست‌ها را داشته باشد.

کشورمان در دهه‌های گذشته با مجموعه‌ای از فرصت‌ها و چالش‌های هم‌زمان مواجه بوده است؛ از ظرفیت‌های گسترده انسانی، علمی، ژئوپلیتیکی و فرهنگی گرفته تا مسائل پیچیده اقتصادی، زیست‌محیطی، فناوری و اجتماعی. مدیریت این شرایط نیازمند آن است که نگاه سیاست‌گذاری از واکنش‌های کوتاه‌مدت به سمت برنامه‌ریزی راهبردی و سناریونویسی حرکت کند.

در این چارچوب، حکومت کارآمد باید بتواند میان ثبات و تغییر تعادل ایجاد کند. ثبات به معنای حفظ اصول، منافع ملی و امنیت کشورمان است و تغییر به معنای توان اصلاح روش‌ها، ساختارها و ابزارهای حکمرانی متناسب با شرایط جدید. بسیاری از نظام‌های موفق جهانی، زمانی توانسته‌اند از بحران‌ها عبور کنند که ظرفیت اصلاح درونی و بازآفرینی مدیریتی را حفظ کرده‌اند.

یکی از الزامات این مسیر، تقویت نظام اداری حرفه‌ای است. بوروکراسی کارآمد، بر پایه تخصص، تجربه، اخلاق حرفه‌ای و پاسخگویی شکل می‌گیرد. اگر نظام اداری از شایسته‌گزینی فاصله بگیرد و در قالب سهمیه‌محور پیش برود، تصمیم‌های کلان نیز تحت تأثیر ضعف کارشناسی قرار خواهند گرفت. به همین دلیل، بسیاری از پژوهشگران توسعه، کیفیت دستگاه اداری را یکی از مهم‌ترین شاخص‌های قدرت واقعی حکومت‌ها می‌دانند.

♦ سرمایه اجتماعی و گفت‌وگوی صادقانه با جامعه

هیچ نظام حکمرانی بدون سرمایه اجتماعی پایدار نمی‌تواند اهداف

کارآمدسازی حکمرانی!

بلندمدت خود را محقق کند. اعتماد عمومی، یکی از مهم‌ترین منابع قدرت دولت‌هاست؛ زیرا اجرای بسیاری از سیاست‌ها نیازمند همراهی اجتماعی است. در شرایطی که جامعه با پرسش‌های متعدد درباره آینده اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مواجه است، پاسخگویی و ارتباط مؤثر با مردم بخشی از فرآیند حکمرانی کارآمد محسوب می‌شود.

گفت‌وگوی صادقانه با جامعه به معنای انتقال صرف پیام‌های رسمی تبلیغاتی و یا حتی بیان ضعف‌ها و نارسایی‌ها نیست، بلکه شامل توضیح منطق تصمیم‌ها، بیان محدودیت‌ها، پذیرش نقدهای کارشناسی و ارائه تصویر روشن از مسیر پیش‌رو است. تجربه کشورهای توسعه یافته نشان داده است که حتی تصمیم‌های دشوار، اگر با اقناع اجتماعی و ارتباط درست همراه شوند، امکان پذیرش بیشتری پیدا می‌کنند.

جامعه‌جوان کشورمان نیز بیش از هر زمان دیگری نیازمند مشاهده افق روشن، فرصت‌های واقعی و احساس مشارکت در آینده ملی است. پاسخ به این نیاز، صرفاً از مسیر اقدامات اقتصادی یا فرهنگی جداگانه امکان‌پذیر نیست؛ بلکه نیازمند یک رویکرد جامع در حوزه حکمرانی است که اشتغال، آموزش، نوآوری، عدالت فرصت‌ها و مشارکت اجتماعی را در کنار یکدیگر ببیند.

♦ از اصلاح مدیریتی تا بازطراحی حکمرانی

کارآمدسازی حکمرانی را نمی‌توان با تغییر چند مدیر و مسئول یا اجرای چند برنامه کوتاه‌مدت محقق کرد. این فرآیند نیازمند یک بسته راهبردی در سه سطح است. در سطح نخست، باید بر ارتقای کیفیت کارگزاران، تقویت شایسته‌سالاری، آموزش مدیران، استفاده از دانش تخصصی و مقابله سازمان‌یافته با فساد اداری تمرکز کرد.

در سطح دوم، اصلاح ساختارها و فرآیندهای تصمیم‌گیری اهمیت دارد. کاهش موازی‌کاری، افزایش هماهنگی میان دستگاه‌ها، توسعه دولت هوشمند، بهبود نظام ارزیابی عملکرد و استفاده از داده‌های دقیق در سیاست‌گذاری، از جمله اقداماتی است که می‌تواند ظرفیت اجرایی دولت را افزایش دهد.

در سطح سوم، نیازمند تقویت یک اجماع گفتمانی درباره اولویت‌های توسعه کشورمان هستیم. بدون توافق نسبی میان نخبگان، مدیران و جامعه در باره اهداف بلندمدت، سیاست‌ها دچار نوسان و بی‌ثباتی خواهند شد. توسعه پایدار زمانی شکل می‌گیرد که ارزش‌های کلان، اهداف ملی و برنامه‌های اجرایی در یک مسیر هماهنگ قرار گیرند.

در واقع، پاسخ به پرسش «چه خواهد شد؟» بیش از آنکه وابسته به پیش‌بینی آینده باشد، به میزان آمادگی ما برای ساختن آینده بستگی دارد. کشورهایی که در دوره‌های پرتحول موفق عمل کرده‌اند، الزاماً کشورهایی نبوده‌اند که با بحران مواجه نشده‌اند؛ بلکه کشورهایی بوده‌اند که توان حکمرانی، ظرفیت اصلاح و قدرت تصمیم‌گیری خود را ارتقا داده‌اند.

به طور کلی با توجه به شرایط منطقه و جهان کارآمدسازی دولت و نظام حکمرانی کشورمان ضرورتی راهبردی برای حفظ دستاوردها، افزایش تاب‌آوری ملی و فراهم‌کردن زمینه پیشرفت جوانان و نسل‌های جدید کشور است چرا که سرمایه اصلی کشورها نه فقط منابع طبیعی یا موقعیت جغرافیایی، بلکه کیفیت تصمیم‌گیری، توان سازمانی و اعتماد متقابل میان دولت و جامعه است. آینده از آن نظام‌هایی خواهد بود که بتوانند میان آرمان‌های بلند، واقعیت‌های موجود و الزامات مدیریت علمی پیوندی پایدار ایجاد کنند.

حکمرانی پیشگیرانه

به همین دلیل از منظر راهبردی، مهم‌ترین اقدام

پیشگیرانه، کاهش این فاصله از طریق افزایش کارآمدی است. کارآمدی به معنای پاسخ مثبت به همه خواسته‌ها نیست؛ بلکه به معنای توانایی مدیریت منطقی منابع، توضیح شفاف محدودیت‌ها، اولویت‌بندی مسائل و ارائه مسیر قابل اعتماد برای آینده است.

♦ حکمرانی ادراکی

یکی از ابعاد کمتر مورد توجه در بحث امنیت اجتماعی، مسئله «ادراک عمومی از حکمرانی» است. در عصر ارتباطات، واقعیت‌های اجتماعی تنها بر اساس آمار و شاخص‌های رسمی سنجیده نمی‌شوند، بلکه برداشت مردم از عملکرد نظام مدیریتی نیز اهمیت دارد. فاصله میان واقعیت عملکرد و ادراک عمومی از عملکرد، می‌تواند به یک چالش راهبردی تبدیل شود.

حکمرانی موفق نیازمند آن است که علاوه بر حل مسائل واقعی، بتواند منطق تصمیمات خود را

برای جامعه تبیین کند. بسیاری از سیاست‌های

دشوار در کشورهای مختلف زمانی با مقاومت اجتماعی مواجه شده‌اند که جامعه نسبت به اهداف، ضرورت‌ها و پیامدهای آنها اقناع نشده است. در مقابل، هنگامی که ارتباط میان دولت و جامعه مبتنی بر اعتماد، شفافیت و گفت‌وگوی مستمر باشد، حتی اصلاحات پیچیده نیز امکان تحقق بیشتری پیدا می‌کنند. برای کشورمان که در محیطی منطقه‌ای با تحولات سریع و فشارهای متنوع قرار دارد، تقویت سرمایه اجتماعی یک مؤلفه مهم قدرت ملی است. سرمایه اجتماعی بالا، هزینه مدیریت بحران را کاهش و توان کشور

برای عبور از شرایط دشوار را افزایش می‌دهد. با عنایت به آنچه بیان شد، ثبات اجتماعی پایدار نه از طریق حذف مسائل، بلکه از طریق افزایش توان مدیریت مسائل حاصل می‌شود. جوامعی که دولت‌های آنها ظرفیت یادگیری، اصلاح و پاسخگویی دارند، در برابر شوک‌های داخلی و خارجی مقاوم‌تر هستند. آینده حکمرانی در جهان پرتحول، متعلق به نظام‌هایی است که امنیت را نه صرفاً در کنترل تهدید، بلکه در ساختن اعتماد، افزایش کارآمدی و تقویت پیوند میان دولت و جامعه جست‌وجو می‌کنند.

گروه فرهنگ

صبح صادق

«لباس شخصی» اولین فیلم سینمایی در کارنامه امیرعباس ربیعی است. این فیلم برای نخستین بار سال ۱۳۹۸ در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر رونمایی شد. با این حال مضمون چالش برانگیز «لباس شخصی» در بازنمایی حزب توده طی سال‌های اول پیروزی انقلاب باعث شد تا اکران این اثر بیش از ۶ سال به تأخیر بیفتد. ربیعی در این مدت، دو فیلم سینمایی دیگر با موضوع تاریخ معاصر (با تمرکز بر انقلاب اسلامی) تولید کرد؛ «صند» که روایتی از عملیات تروریستی منافقین و فاجعه هفتم تیر است و «احمد» روایتی از زلزله بم با محور مجاهدت‌های سردار شهید احمد کاظمی را دستمایه قرار داده. نکته قابل تأمل این است که «لباس شخصی» با وجودی که فیلم اول این کارگردان جوان به حساب می‌آید اما از نظر قوت روایی و کارگردانی و همچنین جاذبه سینمایی، نسبت به دو فیلم بعدی سازنده‌اش در جایگاه بالاتری قرار می‌گیرد. طوری که یکی از پدیده‌های دوره سی و هشتم جشنواره فیلم فجر شد و استقبال بخشی از منتقدان و مخاطبان آن دوره از جشنواره فجر را در پی داشت.

این روزها پرده سینماهای کشور میزبان اثری است که دست بریکی از حساس‌ترین و مرموزترین پرونده‌های اطلاعاتی صدر انقلاب اسلامی گذاشته است. «لباس شخصی» درامی تاریخی و جاسوسی است که علاوه بر ارائه‌ای استاندارد و خوش‌ساخت در فرم و ساختار سینمایی، پیام سیاسی و امنیتی بسیار مهمی را برای امروز جامعه ما به همراه دارد.

نفوذ هاکیوودی یک لباس شخصی!



♦ پردازش هاکیوودی یک پرونده

ورود به عرصه فیلم‌سازی با یک اثر تاریخی، آن هم درباره برهه‌ای پیچیده از تاریخ معاصر، جسارتی ویژه می‌طلبد. غالب کارگردانان فیلم اول خود را در فضاهای آپارتمانی، کم‌هزینه و ساده تجربه می‌کنند؛ اما ربیعی دست به ریسکی بزرگ زده و از این آزمون دشوار، سربلند و با نمره قبولی خارج شده است. «لباس شخصی» را می‌توان یک تاریخ‌نگاری پرکشش به سبک درام‌های سیاسی-جاسوسی هاکیوودی دانست.

فیلمساز با تکیه بر اندوخته‌ای غنی از اطلاعات تاریخی، توانسته افشاگری‌های سیاسی درباره تشکیلات پیچیده حزب توده را به یک درام پر تعلیق و نفس‌گیر تبدیل کند. ساختار اثر به گونه‌ای طراحی شده که مخاطب را تا آخرین دقایق در بیم و امید نگه می‌دارد؛ چرا که خط میان خادم و خائن بسیار باریک است و تا لحظات پایانی، چهره واقعی شخصیت‌ها در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند. فیلم، الگوی «قهرمان فردی» را به کار

نفوذ» است که به اثر اعتباری مضاعف می‌بخشد. فیلم به درستی نشان می‌دهد که چگونه ساختاری منسجم و مدعی همراهی با انقلاب (حزب توده)، در پنهان‌ترین لایه‌های خود مشغول سازمانده‌ی یک کانون جاسوسی و خیانت به کشور بود.

مسئله نفوذ، موضوعی مقطعی مربوط به سال‌های نخستین انقلاب نیست؛ بلکه چالشی حیاتی، سیال و بدون تاریخ‌مصرف است. بازخوانی پرونده حزب توده در «لباس شخصی» گوشزد می‌کند که دشمن همواره از پیچیده‌ترین روش‌ها و موجه‌ترین نقاب‌ها برای نفوذ در دستگاه‌های محاسباتی و امنیتی بهره می‌برد. فیلم با هوشمندی به مخاطب امروز یادآور می‌شود که نباید چشم‌پسته شیفته ظاهر رتوش‌شده یا شعارهای همسو شد؛ چرا که جریان نفوذ دقیقاً از همان نقاطی وارد می‌شود که کمترین تردید نسبت به آن وجود دارد.

از این‌رو، «لباس شخصی» برای مخاطب امروز، تنها یک بازخوانی تاریخی ساده نیست، بلکه یک «هشدار بصری» است. فیلم نشان می‌دهد چگونه هوشیاری و رفتار فراسیستمی همراه با بصیرت نیروهای مخلص، توانست یکی از خطرناک‌ترین پرونده‌های امنیتی تاریخ ایران را خنثی سازد.

«لباس شخصی» الگویی موفق از تلفیق «هنر سینما» و «بیش استراتژیک» است. امیرعباس ربیعی نشان داد که می‌توان از دل پرونده‌های واقعی و واقعیات تاریخی، سینمایی پر تحرک، استاندارد و جذاب خلق کرد که هم تماشاگر را روی صندلی نگه دارد و هم درس‌های گران‌بهای از تاریخ معاصر و ضرورت هوشیاری در برابر استراتژی‌های پیچیده نفوذ به او یادآور شود.

♦ تهدیدی بدون تاریخ مصرف

اما ارزش اصلی «لباس شخصی» صرفاً در کادرها و تدوین خوش‌ساخت آن خلاصه نمی‌شود، بلکه مسئله پرونده یعنی «تهدید

| برداشت |

ادبیات ضدانگلیسی

پایه‌ای که بعدها اقتباس تلویزیونی ماندگاری نیز از آن ساخته شد.

♦ کودتا، نفوذ و تحقیر

در قلمرو ادبیات داستانی معاصر، رمان «برادر انگلستان» نوشته علیرضا قزوه، قالبی نو و پیچیده را برای بازخوانی نقش بریتانیا به کار می‌گیرد. قزوه در یک فضای سوررئال اما با محتوایی کاملاً رئال، معما و دیوانگی شخصیت «اسماعیل» را دستمایه پیمایش تاریخ معاصر قرار می‌دهد. داستان از کویه‌های قطاری می‌گذرد که زمان را از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ناآرامی‌های منافقین، جریان کردستان، جنگ تحمیلی و در نهایت مذاکرات هسته‌ای طی می‌کند. در این رمان، کودتای ۲۸ مرداد نماد و پایه اصلی مداخلات بیگانگان- به‌ویژه انگلستان- است؛ داستانی عبرت‌آموز که دلایل بدبینی به غرب را عیان ساخته و نشان می‌دهد چگونه انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ نقطه عطفی برای رهایی ملت‌ها از بیش از یک قرن استیلای غرب شد.

از سوی دیگر، رمان «گل‌های کاغذی» نوشته محمدعلی گودینی به زاویه‌ای دیگر از حضور استعماری بریتانیا پرداخته است: «سلطه بر منابع نفتی و تحقیر ملت ایران». داستان از طریق رفاقت دو نوجوان به نام‌های فرامرز و فرهاد و تبعید پدر فرهاد به آبادان به دلیل مسائل سیاسی شکل می‌گیرد. گودینی با تکرار و برجسته‌سازی عبارت نژادپرستانه «ورود ایرانی و سگ ممنوع!» در باشگاه‌های انگلیسی‌ها، حس نفرت از استعمار و تحقیر ملی را در مخاطب بازآفرینی می‌کند. اگرچه

آثار داستانی انقلابی نیازمند تقویت لایه‌های جذابیت دراماتیک هستند، اما بازنمایی این وقایع در قالب هنر، مانع از فراموشی جنایات استکبار می‌شود.

♦ رسوایی نظام استعماری

نکته قابل توجه این است که افشاگری علیه ماهیت بریتانیا منحصر به نویسندگان ایرانی نیست. رمان «باد جنوب» نوشته ایان گیبسون، نویسنده سرشناس اسپانیایی، نمونه‌ای از نقد درون‌ساختاری به جامعه انگلستان است. گیبسون در این رمان با ترسیم زندگی زبان‌شناسی به نام جان میل، به وضعیت ساختار خانوادگی تپی از عشق و مدارس پر از فساد و آزار در بریتانیا می‌پردازد. او صراحتاً عنوان می‌کند که دلیل عدم انتشار کتاب در انگلیس، جلوگیری از خشم نظام آموزشی و خانواده‌های آن کشور بوده و از فرهنگ تحقیر و شیوه برخورد مضحک جامعه بریتانیا ابراز تنفر می‌کند؛ امری که نشان می‌دهد استعمارگري بیرون، ریشه در فساد و تهی‌شدگی درون دارد.

♦ یک جریان زنده

مرور این آثار منظوم و منثور نشان می‌دهد که ادبیات ضدانگلیسی، جریان زنده و پویایی است که حقیقت کارنامه سیاه بریتانیا را ثبت کرده است. از شعر حماسی و رمان‌های مستند تاریخی گرفته تا داستان‌های مدرن و نظرات منتقدان خارجی، همه بر یک واقعیت گواهی می‌دهند: دشمنی انگلیس با هویت و استقلال ملت‌ها تاریخی است، اما سلاح قلم و آگاهی، اجازه نخواهد داد که فتنه‌ها و جریان‌های نفوذ امروز آنان در پوشش‌های تازه به ثمر بنشیند.

۷

فرهنگ

شماره ۱۲۵۱ | دوشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۵

صداقت

| یادداشت |

مسئله روایت قدرت

آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ



رسانه‌ها چگونه می‌توانند راوی قدرت و اقتدار امروز ایران باشند؟ رسانه و فرهنگ در جهان امروز، میدان مسابقه تصویرسازی‌هاست؛ هر که روایت خود را غالب کند، افکار عمومی را فتح کرده است. در همین جهت، پیام اخیر رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، بار دیگر دست روی نقطه عطف مبارزه امروزی یعنی «هنر روایت» گذاشتند. ایشان با اشاره به شرایط خطیر پیش‌رو برای رسیدن به «ایران هرچه قوی‌تر»، دقیقاً به آسیب‌شناسی رفتاری پرداختند که سال‌هاست در بخشی از بدنه سینمایی و رسانه‌ای کشور جا خوش کرده است. رهبری به‌روشنی تصریح می‌کنند: «ضعف و نقص و کمبود، نیازمند روایت و برجسته‌سازی نیست؛ بلکه نیازمند برنامه‌ریزی و اقدام برای رفع و حل مشکل است. گاه بیان صادقانه ضعف‌های خود در وقتی که دشمن به روحیه نیاز دارد، کمک بزرگی به او است.» این جمله، شلاق بیداری بر پیکر سینمای جشنواره‌ای و بی‌هویتی است که به نام «بازنمایی معضلات»، روح امید را در ملت می‌کشد. سینماگر ما باید بفهمد که «بیان صادقانه ضعف‌ها» در صحنه بین‌المللی، گاه نادانسته و ناخواسته، سوخت‌رسانی به جنگ روانی دشمن است. در مقابل، ایشان آموزه قرآنی* «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» را ذکر کرده و یادآور می‌شوند که «قوت و قدرت و نقاط مثبت... نیازمند روایت و برجسته‌سازی است.» اما تبدیل این روایتِ قدرت از یک ایده‌روی کاغذ به یک جریان زنده، اثرگذار و جذاب در هنر و سینما نیازمند تغییرات بنیادین در نگاه هنرمندان و مسئولان فرهنگی است. نخستین قدم، عبور از شعارزدگی و پناه بردن به درام جان‌دار است. قهرمان‌سازی و نشان دادن اقتدار ایران با سخنرانی‌های کل‌درشت بر پرده سینما اتفاق نمی‌افتد؛ بلکه قدرت واقعی باورپذیر می‌شود که در متن یک داستان پرکشش، با شخصیت‌های ملموس و چالش‌های واقعی بازنمایی شود. سینمای ما مبرمانه به تکنیک‌های جذاب تصویری و فرم‌های متنوع در ژانرهای اکشن، پلیسی، بیوگرافی‌های حماسی و حتی علمی-تخیلی نیاز دارد تا روایتِ قدرت، سرگرم‌کننده و مجذوب‌کننده باشد. در گام بعدی، روایت قدرت نباید محدود به چند فیلم سفارشی یا جشنواره‌ای باقی بماند؛ بلکه باید به یک جریان اصیل، دائمی و فراگیر در تمامی بست‌های رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی و تولیدات نمایشی بدل شود تا ذائقه و گفتمان عمومی را هدایت کند. متأسفانه سال‌هاست که پیشرفت‌های حیرت‌انگیز دانش‌بنیان، جان‌فشانی‌های دفاعی و روحیه ساختن در میان مردم، در آوار سینمای آپارتمانی و یاس‌آور مغفول مانده است. روایتِ قدرت به معنای پنهان کردن کاستی‌ها نیست، بلکه به معنای تنظیم مجدد زاویه دید دوربین به سمت «توانمندی جبران و ساختن» است. سینما و رسانه ما اگر می‌خواهند پیش‌ران واقعی «ایران هرچه قوی‌تر» باشند، چاره‌ای جز تثبیت لنز به «اقتدار» ندارند. این ریل‌گذاری جز از مسیر تربیت و به کارگیری نسلی تازه‌نفس از هنرمندان و فیلمسازان و رسانه‌کاران است که باور و آرمانی عمیق به اقتدار این سرزمین و مردمانش ندارند!

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
مدیرمسئول:یدالله جوانی
سرمدیر:علی حیدری

شورای سیاست گذاری:
سیامک باقری،سعدالله زارعی،
عزیز غضنفری، مهدی سعیدی،فتح الله پریشان،
علی قاسمی، حسین عبداللہی فر،رضاصبارمی راد
دبیر تحریریه:سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمد صالح نادری
نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی
صفحه‌آرا:علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶
تلفن: ۰۲۱) ۷۷۴۶۰۱۰۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۱
basirat.ir
@sobhesadegh_fa
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۲۵۱ | دوشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۵

آیه

آخرین خواسته پیامبر(ص)!

سیدمرتضی رضایی

کارشناس مذهبی

اصلی ترین و دقیق ترین کتاب و سندی که در شناخت پیامبر اعظم(ص) می تواند به ما کمک کند، قرآن کریم و کلام وحی است، خداوند در آیات متعدد قرآن کریم به صراحت یا به اشاره به صفات و ویژگی های پیامبر اسلام(ص) اشاره کردند، ویژگی هایی چون صبر و مقاومت، تواضع و فروتنی تا مهربانی و بسیار صفات دیگر، اما در این نوشتار به آیتانی اشاره می کنیم که به علاقه و دلسوزی پیامبر اکرم نسبت به امت مرتبط است. به تعبیر قرآن پیامبر اعظم(ص) نسبت به امت بسیار دلسوز بودند، اگر شخصی ایمانش ضعیف بود، حضرت خیلی علاقه داشتند که ایمان او قوی شود یا کافران به سمت دین بیایند. خداوند متعال می فرماید: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسُكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمَرُوا بِهَذَا الْإِحْدِيثِ أَتَقْنَأُ» ای پیامبر! شاید جان خود را به دلیل اینکه کسانی به رسالت تو ایمان نیاورده اند، فدا کنی. (کهف، آیه ۶)

خداوند متعال در آیه دیگری می فرماید: «وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ» صبر کن و صبر تو فقط برای خدا و به توفیق خدا باشد! و به خاطر(کارهای) آنها، اندوهگین و دلسرد مشو! و از توطئه های آنها، در تنگنا قرار مگیر. (نحل، آیه ۱۲۷)

آیه دیگر می فرماید: «فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» پس مبدا به سبب حسرت ها [ی گوناگون] بر آنان، جانت [از کف] پرود؛ قطعاً خدا به آنچه می کنند، داناست. (فاطر، آیه ۸)

این آیات نشان می دهد پیامبر اکرم چه قدر برای امت دلسوز بودند. در روایات زیادی درباره شأن نزول «وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» (ضحی، آیه ۵) آمده است؛ پیامبر در اواخر عمر شریفشان ناراحت بودند. خداوند فرمود: چه می خواهی؟. پیامبر عرض کرد: «نگران اتم هستم.» این آیه نازل شد؛ خداوند تو را به زودی خشنود خواهد کرد که شفاعت کننده امت خودش هست.

صبحانه

با استعدادها می بازند!

استعداد تنها بخش کوچکی از موفقیت است و رمز اصلی شدن در زندگی، تلاش و پشتکار است از این رو است که بزرگان می گویند در آخر این افراد بانگیزه هستند که افراد بااستعداد را شکست می دهند.

منبر

بدون حکومت اسلامی جاهلیت زدایی ممکن نیست

گفتاری از آیت الله جوادی آملی



نیست؟ منتها چون بین ما و نهج البلاغه خیلی فاصله است، بین ما و قرآن خیلی فاصله است، اینها را مثل اینکه نشنیدیم.... علی(ع) و اولاد علی(ع) انسان کامل هستند زیرا این انسان کامل است که فرشته ها در برابر او سجده کردند، اُسجدوا، اُسجدوا، اُسجدوا همه گفتند: اول متوجه نشدند که خلیفه کیست، بعد از اینکه وجود مبارک آدم شد معلم، فرشته ها شدند شاگرد، فهمیدند اینجا خبری هست، استادی هست، شاگردی هست، مقامی است!

کار خلیفه الله این نیست که دانشگاه را اداره کند یا حوزه را اداره کند، اینا کارهای دست دوم انبیاست؛ «خلیفه الله» آن است که کار مستقل را اجرا کند، یعنی جامعه را اداره بکند و «جاهلیت زدایی» کند به وسیله ولایت و حکومتی که دارد. گفت: «ما آمدم جاهلیت را برداریم، نظام امامت و امت نظام تعلیم نیست، تعلیم زیر پای اوست. نظام تربیت نیست، تربیت زیر پای اوست. کار دست اول اینها جاهلیت زدایی است... این جاهلیت زدایی بدون حکومت اسلامی برطرف نمی شود.

آیه

هشدار! خطر عواطف منهای عمل

بزرگ و پرشور برپا کنیم، سالگرد میلاد و شهادت را با شکوه تمام برگزار کنیم اما همین که نوبت به عمل و رفتار و زندگی روزمره رسید، خود را در فاصله های بسیار دور از آنچه ایشان می خواستند و انجام میدادند، بیابیم! چنین وضعیتی، به معنای پذیرش یک دوگانگی دردناک در وجود ماست؛ یعنی در عواطف و احساسات، شیفته اهل بیت(ع) باشیم ولی در عرصه اراده و اختیار و عمل، از ایشان فاصله ای هر چند کم داشته باشیم. این حالت، خطرناکتر از آن چیزی است که در ابتدا به نظر می رسد، چون انسان را به این توهم واهی می رساند که با همین محبت های عاطفی و شرکت در مجالس و روضه ها، به وظیفه خود در قبال اهل بیت(ع) عمل کرده است و دیگر نیازی به تنظیم رفتار و تطبیق روش و منش ندارد.

مراسم های بزرگداشت و سوگواری و گرامی داشت ایام میلاد و شهادت اهل بیت(ع) میتوانند ارزشمندترین ابزارها و بهترین فرصت ها برای یادآوری و بیداری باشند، به شرط آنکه هدف غایی آنها تحقق بخشیدن به همان یادآوری باشد و از صورت بندی صرف و برگزاری تشریفاتی عبور کنند و به اصل و جوهره خود بازگردند. این مراسم ها باید پلی باشند میان گذشته و حال، میان خاطره و عمل، میان روایت و زیستن. ما وقتی روایتی از امام صادق(ع) درباره اخلاق و معامله با همسایه نقل می کنیم، یا وقتی به ذکر سیره عملی امیرالمؤمنین(ع) در عدالت و تقسیم بیت المال می پردازیم، نباید کار را با شنیدن و گفتن و به اشک نشستن به پایان ببریم، بلکه باید با این روایات و سیره ها به مثابه آینه هایی نگاه کنیم که چهره واقعی

ما را به ما نشان می دهند و فاصله ما را با آن الگوهای الهی آشکار می کنند. اگر در جلسات روضه می گیریم، گریه مان باید زمینه ای برای تحول باشد و اگر به ذکر مصائب می پردازیم، مصائب باید ما را به درک عمیق تری از ماهیت ظلم و عدالت و جهاد و استقامت برسانند.

ذکر این نکته هم لازم است که مسأله تأسی و پیروی از اهل بیت(ع) و ذکر زیبایی ها و فضائل و مناقب و سیره ایشان، هرگز منحصر به دایره محدود شیعیان و پیروان ایشان نیست، بلکه این یک ضرورت جهانی و یک نیاز فطری و انسانی است که فراتر از هر دین و آئینی قرار دارد. اهل بیت(ع) متعلق به یک گروه خاص نیستند؛ ایشان امانت های الهی در زمین هستند و برای تمامی انسان ها در هر نقطه کره خاکی، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، چه شیعه و چه سنی، چه مؤمن و چه کافر، به عنوان معلمان اخلاق، اسوه های عدالت، الگوهای صبر، پرچمداران ایثار و مظهر رحمت و مهربانی معرفی شده اند.

رسول خدا(ص) می فرمایند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثَرَتِي أَهْلَ بَيْتِي مَا إِن تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا»؛ یعنی تاقیامت هر کس به این دو گوهر گران بها چنگ زند، هرگز گمراه نخواهد شد. این خطاب، همگان را در بر می گیرد و مرزهای جغرافیایی و دینی را در هم می شکند. از این رو، بر پیروان و شیعیان اهل بیت(ع) فرض و واجب است که خود را در سطحی از معرفت و عمل قرار دهند که بتوانند پیام ایشان را به گوش جهانیان برسانند.

صادقانه

به احترام یک نام!

پیامبر خدا(صلي الله عليه وآله): هرگاه نام فرزند را «محمد» گذاشتید، به او احترام بگذارید؛ برایش جا باز کنید؛ و با وی ترش رویی نکنید.

[بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۲۸]

غیر رسمی

دغدغه رنج بیماران

یکی از مهم ترین تأکيدات سیاست های کلی سلامت که ما این میراث را از خود رهبر شهیدمان داریم، این است که تولیت حوزه سلامت به وزارت بهداشت داده شد. در سیاست های کلی سلامت به عدالت در سلامت نیز اشاره شده است. این عدالت یکی از مسائل اساسی و کلیدی موردنظر آیت الله العظمی خامنه ای بود تا مردم بتوانند دسترسی عادلانه به خدمات سلامت داشته باشند.

این جمله را نیز من از ایشان به خاطر دارم که بارها فرمودند: «شما بایستی کاری بکنید که مردم اگر بیمار شدند، جز رنج بیماری، رنج دیگری نداشته باشند.» واقعاً یک عدالت گسترده برای سلامت و دسترسی مردم به خدمات سلامت، به گونه ای که بدون رنج، بدون مشکلات مالی و اقتصادی و بدون مشکلات ناشی از عدم دسترسی بتوانند از خدمات سلامت بهره مند شوند، جزو مسائل اساسی موردنظر ایشان بود.

دکتر مرضیه وحید دستجردی
دبیر ستاد ملی جمعیت

حسن ختام

پنجره روشن

ای مهربان ترین، ای که اسمت، تب دل های عاشق را فرو می نشاند؛ می بینی دنیا امروز چقدر محتاج توست!
ای آرامش جان، تو کجایی؟ دلمان خیلی برای یک نگاه تو تنگ است! بیا که خیلی سال می شود که جمعه ها شرح دلمان یک غزل کوتاه است؛ اَللّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ؛ بیا که جمعه های بدون ظهور تو سخت می گذرد.

مولا جان! دلمان سال هاست تو را صدا می زند، گویی نام تو را از نخستین تپش هایش به یاد دارد. بیا و غبار این همه دلتنگی را از آئینه جانمان بگیر. بیا که قلبمان در ازدحام این جهان، جز تو پناهی نمی شناسد. بیا و با یک نگاه، شب های بلند انتظار را به صبحی روشن پیوند بزن.

